



چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟

خاتمه دادن به جنگ ارتجاعی ایران و عراق، یعنی برقراری صلح، نیز همانند جنگ ادامه سیاست است. اکنون در اکثر شرایط تکوین یافته در «جنگ» فرشته صلح در یو جنگ را در تنگنا قرار داده و در هم می فشارد. آیه می جنگ که زمانی همه چیز را در بر گرفته بود از نفس افتاده و در معرض آیه می صلح هر چه بیشتر گسترده میشود. صلح طلبی هر چیز و هر کس را محاصره در آورده است. این امر، بنوعی خاص، حتی طبقات حاکم جمهوری اسلامی را نیز شامل گشته است. صرف نظر از هیاهوی پیروزی در جنگ و اینکه «جنگ ساله اصلی است»، بن بست جنگ و تد اوم این بن بست و اثراتی از جنگ که به ضد سیاستهای رژیم تبدیل شده و میشود، هیات حاکمه را به سیاق معمولی ملگرم خود که در ساله اشغال سفارت، گروگانگیری و سپس حل دیپلماتیک در نباله در صفحه ۲

موضع سازمان

پیرامون سیاست تخلیه و انهدام روستاها

توسط رژیم جمهوری اسلامی در کردستان

در صفحه ۳

چرا جنگ آغاز شد؟

موج توفنده انقلاب تمامی اتحاد جامعه را فرا گرفته بود. طیف هم سازش حاکمیت با امیر یالېسم بر سر تسلیم ارتش و جابجایی مسالمت آمیز قدرت، جنبش از کنترل سرود و اران کونی خارج شده و پادگانها بدست پرتوان تودما خلع سلاح و روحیه ارتش متحد و دی در هم شکسته بود. کارگران با تشکیل شوراهای انقلابی خود که بنفذهای قدرت و اقتدار تودما بودند در تحمل ستم ملی و در نباله در صفحه ۵

امیر یالېسم و جنگ

پس از جنگ جهانی دوم که در گونیهایی اساسی در جهان پدید آمد، این تجربه را برای امیر یالېسم باقی گذاشت که نه تنها بروز جنگ بین دول امیر یالېسمی راه حل مناسبی جهت تخفیف بحرانهای ذاتی نظام سرمایه داری نیست بلکه عامل موثری در ظهور انقلابات جهانی خواهد بود. این امر و بسیاری عوامل دیگر که در این مقاله می گنجند دول امیر یالېسمی را واداشت که بجای الحاق طلبی مستقیم، از طریق دیگر حفظ و تد اوم سلطه گری خود را تضمین نمایند، در همین حال اتخاذ سیاستی در نباله در صفحه ۶

در این شماره

از برکات جنگ

یادداشت های سیاسی

ضمیمه خبری

نکاتی درباره بودجه نظامی

ویژگی هر رژیم بوروکراتیک هم از بورژوازی بودجه سالانه - بصورت شیاری در می آید و خرده بورژوازی، مخفی کردن اطلاعات از بودجه سرکوب و تحمیل و جاسوس تحت تودماست و این مخفی کردن آنجا که اجبار عناوین کلیشه ای "حفظ نظم و امنیت کشور" به ارائه اطلاعات بصورت علنی باشد - مثل "هزینه های جنگ تجملی"، "آموزش و تربیت" در نباله در صفحه ۸

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

چگونه میتوان

آزادی گروگانها مشهود است، در جستجوی روزنهای "صلح شرافتمندانه ای" که حکومت و اسلام و سودشان را به خاطر نهند از آن به دروغی انداخته است. روزنهایی که حکومت خود قبل از هرکس طی مدت جنگ آنها را صادر کرده و بازگشایش ملی - خصوصی از نقطه نظر عوامل داخلی - "شرافتمندی صلح" یعنی حکومت و اسلام و سود را مخدوش و لکه دار میکند.

ولی بهر حال، صرف نظر از بن بست صلحی که حکومت درگیر آنست، همه خواهان صلح اند. اما بروایت خود، و این روایت بر سیاست - سیاست طبقاتی - استوار است ادامه سیاست در پیچنگ را در خود پروانده و این دیو در دامان خود، فرشته صلح را بارور کرد. صلح، و اگر جنگ و ادامه سیاست است.

صلح - در محدودهای و برای مدتی - تعیین تکلیف بن بست سیاستی است که به جنگ منجر شد. پس بخود بخود نه جنگ دیو می دهش است و نه صلح فرشته ای منزله این امر، حداقل به تجربه دیگر به اثبات رسیده است که الزاماً "دیو جو بهیرون رود، فرشته در نمی آید".

صلح، و اگر جنگ و جنگ ادامه سیاست است و خصلت یابی صلح برخصلت یابی جنگ متکی است. از اینرو پاسخ باین سوال که "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد" موکول به پاسخ ما در مقابل ماهیت جنگ و خصلت طبقاتی جنگ میشود. اینک به چه چیز موجب جنگ میشود، چه طبقاتی جنگ براه میند از آن، چه شرایط تاریخی و اقتصادی - تاریخی موجب جنگ میگردد؟ آن سنگ بنایی است که برنامه صلح،

برنامه پایان دادن به جنگ بر آن استوار میشود. از این لحاظ ماهیت صلح و خصلت طبقاتی صلح در پیوند با ماهیت جنگ و خصلت طبقاتی جنگ قرار دارد. سوال به اینگونه مطرح میشود: کدام طبقه بر اساس چه زمینه های اقتصادی - اجتماعی، و با کدام هدف جنگ میگرداند؟ و بلافاصله باید اضافه کرد کدام طبقه، بر اساس چه زمینه های اقتصادی - اجتماعی تکوین یافته طی جنگ و با کدام هدف صلح را هدایت میکند؟ صلح نیز مانند جنگ از نظر ماهیت و خصلت طبقاتی متفاوتست و از این لحاظ چگونگی پایان دادن به جنگ نیز از نظر طبقات و اقتدار مختلف اجتماعی پاسخهای متفاوت می یابد. وقتی گفته میشود "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟" "فرا" باید اضافه کنیم بر اساس منافع کدام طبقات و چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟

در رابطه با صلح، سه ساله مهمی چهار

لحاظ نظری و خصوصاً چه از لحاظ عملی مطرح است. آیا سیاست صلحی که بر جامعه حاکم میشود و متحقق میگردد، الزاماً همان سیاست طبقاتی است که به جنگ منجر شد؟ بعبارت دیگر، آیا طبقه ای که بر مبنای شرایط تاریخی - اجتماعی و با اهداف جنگ میگرداند، همان طبقه ای است که عملاً سیاست صلح را با همان اهداف طبقاتی قبل و یا در نظر گرفتن تعدیلاتی که از جنگ ناشی شده، هدایت خواهد کرد؟ پاسخ الزاماً مثبت یا منفی نمیتواند باشد. هیچ جنگی در خلا بوجود نمی آید. پیوند و هیچ جنگی در برابر منافع طبقاتی قرار ندارد. جنگ شکلی از تدوین مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین المللی است که طبقه یا طبقاتی به آن می گردند و تحت شرایط و تا مدتی جامعه را بدنبال خود میکشاند. اما همانگونه که در مبارزه طبقاتی دستاوردهای مبارزه و نتایج مقطعی و نهایی آن فقط موضوع و قدر مطلق قدرت یک طبقه بستگی نداشته، بلکه برآیند قدرت نیروهای اجتماعی است؛ در جنگ نیز این امر نه تنها صادق است، بلکه در همه بار شد بدتر، پرتلاطم تر و متحول تر است. در جنگهای ارتجاعی که از سوی طبقات حاکمه استثمارگر بر جامعه تحمیل میشود، جنگ معمولاً در تدوین خود سبب انجنان بحرانها و تکانهای شدیدی اجتماعی میشود که میتواند به درگیریهای اساسی و شرایط اجتماعی که جنگ بر اساس آن آغاز گردیده منجر شود. انجنان در گرونی هایی که اهداف طبقاتی و یا جناحی از طبقات را که به جنگ گروید آورده به ضد خود مبدل سازد. و حربه جنگ که برای تحقق سیاستهای طبقاتیشان بکار گرفته شده بود. به حربه ای در رستان سایر نیروهای اجتماعی در صف با انسان بکار رود.

اگر از وجود اهمیت بسزایی که مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی (بمعنای عام کلمه) بر نتایج جنگ دارند، در گذریم؛ یعنی اگر از اثرات این چنین جنگهایی (جنگهای ارتجاعی که فعلاً مورد نظر است) به موازنه قوا در سطح منطقه ای که قوت جنگ محدود به آنها مشخص میسازد از یکسو و از سوی دیگر از تاثیرات مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی که مستقیماً بر چگونگی شروع جنگ، ادامه و نتایج آن دارند. در گذریم؛ میتوان گفت که معمولاً بحران های ناشی از این جنگها (با توجه به دامنه جنگ و قدرت حکومت) انجنان تغییر و تحولانی را در موازنه قدرت نیروهای اجتماعی در سطح ملی سبب میشود و آن - چنان شرایط اجتماعی آغاز جنگ را در هم فرمیبرد و در گرونی میسازد که زمینه های پرقهرتی در اختیار نیروهای دیگر بجز انسان که جنگ را بر جامعه تحمیل کردند، قرار نمیکرد تا راهبر صلح شوند، اینکه کدام

طبقه بتواند بر بحران فائق آمده، جامعه را بدنبال خود روان ساخته و صلحی بر اساس منافع طبقاتی خود (و متحدانش) برقرار کند، به نتیجه مبارزه طبقاتی و قدرت نیروها بستگی دارد که در یک چنین شرایط حاد مبارزه، نقش نیروهای سیاسی (در بهر میرادری آگاهانه از شرایط بحرانی) از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این ساله در کشورهای مختلفی که مبارزه طبقاتی بر زمینه جنگ جریان داشته و شد گرفته، خود را بکرات نشان داده است. جابجائی قدرت سیاسی و یا انقلابات در بسیاری از حالات بر زمینه جنگ صورت گرفته است. در سطح جهان، تعداد قابل ملاحظه ای از انقلابات سوسیالیستی و دموکراتیک توده ای تحت رهبری طبقه کارگر بر زمینه درک و عملکرد دقیق نیروهای کمونیستی از جنگ و بحران انقلابی متحقق شده است.

صلح واژه دلپذیری است، همانند آزادی، اما همانگونه که بنام آزادی طبقات استثمارگر آزادی را بهیمن می کنند، به همانگونه صلح واقعی، صلح دموکراتیک صلحی که منافع توده های استثمارگر را منعکس میکند، را نیز میتوانند بدام کنند. صلح نیز همانند جنگ، دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و نظایر آن مفهومی طبقاتی است. چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟ باید دید که این سوال از کدام دید طبقاتی چگونه و بر اساس کدام شرایط مطرح میشود و چه اهدافی را دنبال میکند؟ صلح از نظر طبقات استثمارگر، ادامه سیاست جنگ ارتجاعی با توجه به الزاماتی که جنگ تحمیل نموده است، می باشد. این صلح، صلح بورژوازی، ادامه سیاستهای ارتجاعی، ضد مردمی و سرکوبگرانه است. از این لحاظ، صلح این چنین که بورژوازی و ملحقانش ارائه می دهند، لهم از اینکه از درون حاکم باشند یا بهیرون از آن، صلحی است که تدوین چهار لکری و سرکوبگری سرمایه را بر مبنای نتایج تاکوینی جنگ تضمین می نماید. این صلح و صلح دموکراتیک، صلح کارگران و زحمتکشان، صلحی که در تدوین سیاست های آگاهانه طبقاتی استثمارشده گان و متحد بدگان سرمایه داری - بر زمینه جنگ - قرار دارد، از ریشه و بنیان باهم متفاوتند. کمونیستها، همواره از موضع انقلاب، از موضع کار، از موضع منافع کارگران و زحمتکشان، به مبارزه طبقاتی در تمام وجوهش از جمله جنگ و صلح می نگرند و بر این اساس تاکیکهای مبارزاتی خود را مشخص میسازند. ماهیت جنگ آن اساسی است که موضع گیری و مضمون شعارها و تاکیکهای ما را در قبال جنگ و طبقات هدایت کننده جنگ تشکیل می دهند. در عین حال از ابتدا تا انتهای جنگ، همواره بررسی شرایط عینی، ذهنی جامعه تغییر و تحولانی که دنباله در صفحه ۱

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ را به جنگ داخلی تبدیل کنیم



موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان پیرامون تخلیه و انهدام روستاها توسط رژیم جمهوری اسلامی در کردستان

خلق قهرمان کرد!
خلقهای سراسر ایران!
کارگران! زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!
سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان!

کانون گروپ و خروش مبارزه را از پیش باز دارد و بدینوسیله پیشمرگان قهرمان کرد را از پشت جبهه قد رتفع خود در برخی مناطق حساس کردستان محروم سازد.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در سرکوب خلق کرد، از سلف خود یعنی رژیم پهلوی عفت نموده است و در طول پنجمال گذشته با ارتجاعی ترین و سبعانترین شیوههای ممکن به سرکوب خلق کرد پرداخته است و در مقابل اراده آنان مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود، ایستاده است.

با توپ و تانک و خمپاره و زندان و شکنجه با خلق کرد سخن گفته است. بلکه در ارائه و عملی کردن طرحهای ارتجاعی همچون تخلیه و انهدام روستاها نیز، طرحهای معوق رژیم پهلوی را با انجام میرساند.

این طرح ارتجاعی که برای اولین بار در توافق ۱۹۷۵ الجزایر بین دولتین ایران و عراق در پشت درهای بسته مورد موافقت طرفین قرار گرفت و حوزه عمل آن شامل مناطقی با شعاع ده هکتار از نوار مرزی هر دو کشور از طرفین مزبور می شد و هدف آن نیز جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد در هر دو کشور بود با موانع متعددی از - و محتر از همه رشد و ارتقاء جنبش انقلابی در ایران و در دوران رژیم پهلوی صورت نگرفت. پس از انزیمسان اینک یکبار دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی مطرح گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که در طول حیات ننگین خود تا به امروز، نتوانسته است این طرح ارتجاعی را عملی نماید، اکنون و در شرایطی دست به آن زده است که با تمامی تلاشهای مذبوحانه خود در طول پنجمال گذشته با استقرار صدها و هزاران پایگاه در سراسر کردستان، نتوانسته است نفعی در زمینه اعمال حاکمیت ارتجاعی خود بر خلق کرد بدست آورد بلکه در سراسر کردستان، با گسترش پایگاههای خود، هر روز بیشتر از روز پیش، مورد حمله پیشمرگان کرد قرار گرفته است.

رژیم، تصور میکند با اعمال این طرح ارتجاعی، از تحریک پیشمرگان خواهد کاست، زحمتکشان خلق کرد را مستاصل خواهد ساخت و در نتیجه پایگاههای متعدد خود که همچون زندانهای بی شماری در اقصی نقاط کردستان مستقر نموده است، روی

رژیم جمهوری اسلامی که بیش از پنجمال است از هیچ جناحی در کردستان فروگذار نکرده است. رژیمی که در طول پنجمال گذشته، جز کشتار و ویرانی و انهدام خانه و کاشانه زحمتکشان خلق کرد، ارمغانی برای آنها نداده است. اینک که با تمامی تلاشهای ارتجاعی و مذبوحانه خود در برابر قدرت اراده خلل ناپذیر خلق کرد بهزاد رانده است و در رسیدن به اهداف پلید خود با تمامی نیرو و تشکیلات عظیم خود در اقصی نقاط کردستان انقلابی بعد امان محرک و نابودی فرو افتاده است، دست به جنایت گسترده و وسیع و شوم دیگری زده است تا مگر بتواند بر اهداف سرکوبگرانه خود انقلابی خود دست یابد.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با تخلیه و انهدام بخش وسیعی از روستاهای شمالی کردستان، فشار هرچه بیشتری بر زحمتکشان خلق کرد وارد آورد و آنها را از حمایت بی دریغ از فرزند آن مسلح خود باز دارد. رژیم جمهوری اسلامی، برای جبران شکستهای مفتضحانه تمامی سیاستهای خود در طول پنجمال گذشته، در صدد است، سیاست ارتجاعی جدید خود را با تخلیه و تخریب بیش از ۶۰ روستا عملی سازد که بر اساس آن، تعداد بیش از ۵۰۰ خانوار با جمعیتی نزدیک به ۱۰ هزار نفر، آواره و بدون هیچ آینده ای بر خیل آوارگان این جنگ تحمیلی پنجماله افزوده میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی و قبحخانه به اهالی چند روستا از روستاهای مذکور اعلام کرده است که هرچه زود تر خانه و کاشانه خود را تخلیه نموده و آواره دشت و کوهساران گردند و در غیر این صورت با خمپاره باران و قتل عام مزدوران خون آشام رژیم روبرو خواهند گشت. به اهالی روستای دیگر نیز اخطار نموده است تا فصل پاییز، روستاهار تخلیه نموده و به برجائی که می توانند نقل مکان کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که از تبعید و سنگبری، آزار و شکنجه آحاد ملت کرد نتیجه ای نگرفته است و نتوانسته است حمایت فعال و بی دریغ آنها از پیشمرگان را بکاهد و آنها را از طریق تهدید و تطمیع به مقابله با فرزند آن پیشمرک خود وادارد، آخرین چاره خود را در تخلیه و تخریب روستاهای کردستان انقلابی می بیند تا مگر نتواند این

آرامش را بخود خواهد دید. نگاهی به لیست روستاهایی که رژیم قصد تخلیه و تخریب آنها را دارد، اهداف واقعی رژیم را هرچه بیشتر آشکار خواهد ساخت. این روستاها که اکثر آنها در منطقه مرزی آلان و سر دشت قرار دارند، اکثر روستاهایی را در بر میگیرند که علیرغم حتی تسلط رژیم بر برخی از آنها، از مراکز مهم تجمع پیشمرگان و مقابله خونین با یورش های مزدوران رژیم بوده و هستند. رژیم با این سیاست ارتجاعی در حقیقت در صدد انتقام از اهالی این روستاها برآمده است و تصور می کند با تخریب این روستاها، می تواند خواهد توانست زحمتکشان خلق کرد را از پافشاری بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود مبنی بر رهائی از قید و بند ملی و ایجاد جامعه ای دمکراتیک و انقلابی باز داشته و تحت نظام ظالمانه خود درآورد.

اما واقعیتهای مبارزه خلق انقلابی در کردستان در طول پنجمال گذشته تا حدی آشکار ساخته است که هیچکدام از سیاست های ارتجاعی رژیم نه یورشهای ارتجاعی و همجانبه، نه قتل عام زن و مرد و کودک و پیر و جوان در روستاهای کردستان، نه بمباران و خمپاره و توپ باران شهرها و روستاها و نه گسترش هرچه بیشتر پایگاهها نه افزایش دستگیری و آزار و اذیت مردم عادی و نه تهدید و ارباب مردم و نمریز گری و... هیچکدام تاکنون نتوانسته است و نخواهد توانست خللی در اراده خلق مبارز و قهرمان کرد وارد آورده و این خلق مقاوم را از پافشاری بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود باز دارد.

از همین امروز مشخص است که این سیاست رژیم نیز با شکست مفتضحانه دیگری روبرو خواهد گردید. وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و سازمانها و احزاب منطقه ای و سراسری است که در سرتاپای ایران و جهان به هر طریق ممکن، ماهیت ارتجاعی این سیاست را در میان توده های مردم افشا نموده و مقاومت همجانبه و اعتراضات گسترده آنها را در مقابل این سیاست، سازماندهی نمایند، از طریق افشای جنایات فوق در کردستان انقلابی، این سیاست جنایتکارانه رژیم را در انظار عمومی جهانیان رسوا نمایند.



خلق قهرمان کرد!
خلقهای سراسر ایران!

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با افشای جنایات بهشتی رژیم بورژوازی
نقاط ایران، بهر شیوه و هر طریق ممکن و با
تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه
علیه رژیم جمهوری اسلامی سیاست ارتجاعی
جدید آنرا در زمینه تخلیه و تخریب روستاها

تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه علیه
رژیم جمهوری اسلامی سیاست ارتجاعی جدید
آنرا در زمینه تخلیه و تخریب روستاها
کردستان، با شکست قطعی مواجه ساخته و
در این راه از هیچ کوشش فروگذار ننمائید.
کارگران و زحمتکشان خلق کرد نه تنها نباید
تسلیم خواست ارتجاعی رژیم مبنی بر بی-
خانیان نمودن آنها شده و روستاهای خود

را تخلیه نمایند بلکه قاطعانه و با تمام نیرو
و از هر طریق ممکن باید در مقابل آن
مقاومت نموده و با اقدامات عملی در زمینه
جلوگیری از به تحقق پیوستن چنین سیاست
شومی، تلاشهای مذبوحانه رژیم را عقیم
کند.

آنها میباید با تشکل خود بطور هماهنگ،
اقدامات مشترکی را بعمل آورده و سیاست
رژیم را در سطح وسیعی افشا نمایند و
به هیچ وجه درخواست رژیم کردن ننهند.
سازمانها و احزاب شرقی و دمکرات
سراسر جهان!

با اعلام همبستگی با ملت سندیده و
مبارز کرد و تشکیل میتینگها و اعتراضات
علیه رژیم جمهوری اسلامی و از طریق افشای
جنایات متعدد آن در کردستان و ابعاد
غیر انسانی و ضد بشری جنایتی که هم اکنون
در صدد آنست. فریاد حق طلبانه خلق

قهرمان کرد را به کوشش همه جهانیان رسانده
و حامیان ارتجاعی چنین رژیم سفاکی را در
انظار عمومی جهانیان رسوا نمائید.

بهروز باد جنبش انقلابی دمکراتیک خلق کرد
هر چه مستحکمتر باد اتحاد عمیق مبارزاتسی
خلقهای سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی
مرکب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم
امریکا و یپاگه و اخلیش

هر چه گسترده تر باد همبستگی بین المللی
جنبشهای انقلابی و رهائی بخش در سراسر
جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان

۳۰ مردادماه ۱۳۶۳

جرا جنگ آغاز شد؟

در مورد روزهای اول
جنگ گفته است: "ما اگر آتش بس را می پد برفتم
(اشاره به پیشنهاد آتش بس عراق چند روز
بعد از ۳۱ شهریور ۵۶) سقوطمان را -
می پد برفتم... ولی بیداری امام، هشیاری
امام و رهبری قاطع امام این بود که یک لحظه
اجازه نمی دادند که ما اسم آتش بس را
بیاوریم. (نماز جمعه اول مهر ۶۲) - جنگ
با اهدافی مشخص از سوی دو کشور ایران
و عراق آغاز شد و اکنون با گذشت ۴ سال
از آغاز رسمی جنگ بیش از ۵ سال از آغاز
واقعی آن، هر چند که رژیم جمهوری اسلامی
به برخی از خواستههای پنهان خود دست
یافته است. اما در یک بن بست کامل گرفتار
آمده که نه می تواند به جنگ ادامه دهد و
نه به آن تد اوم بخشد.

این اولین بار نیست که طبقات متکبر
جهت منافع طبقاتی خود تودمها را قربانی
کرده و تحت پرشش جنگ میهنی به مسلخ
می کنند و بهانههایی چون خطر تجاوز به
آب و خاک یا حق حاکمیت و تهدید نظامی
و دفاع از اسلام عزیز را عنوان می کنند. این
گونه بهانهها در طول تاریخ همواره دست
اویزی جهت پنهان کردن اهداف واقعی
جنگ و تحمیل و فریب تودمها جهت
کشاندن آنان به صحنه جنگ بمثابة گوشت دم
توپ بورژوازی بوده است. لیکن برای گونیستها
این کافی نیست که گفته شود چه کسی اولین
گلوله را شلیک کرد یا کدام طرف به خاک
دیگری تجاوز کرد و یا کدام طرف مخاصمه
در ابتدا بیشتر پیشروی نموده است. عاملی
که ماهیت جنگ را تعیین می سازد با بررسی
نقشه های نظامی بدست نمی آید. با اینکه:
اکنون ارتش های مخاصم در کجا قرار دارند
حاصل نمی شود، "جنگ ادامه سیاست است
با وسایلی دیگر". پس اینکه " دشمن به مرزهای
مانع از کرده" در تحلیل سیاست هایی که
جنگ را تد اوم دیده، آغاز نموده و ادامه
میدهند نمی تواند جانی داشته باشد. سوال
اساسی این باید باشد که: کدام سیاستها
و منافع کدام طبقات جنگ را موجب گردیده و به
آن ادامه میدهند.

وحشت از خشم توده ها...

خود و کلیه سرمداران
که دست نشان نامرق بمخون بهترین فرزندان
خلق آلوده است و جیب هایشان سرشار از
غارت و سترنج تودمهای زحمتکش تلوهجا
به آنان هشد ارماد که بهر حال چه برای
اسلام و چه برای دنیا به رژیم پیوسته اند
همگی مارک جمهوری اسلامی برپیشانی
دارند و بنابراین با سقوط رژیم هیچیک از
انتقام تودمهای مردم در امان نخواهند بود
پس چه بهتر که تضاد هارا کار بگذارند و
وحدت و حفظ حاکمیت را پیشه سازند. او
که بشدت از بحثهای درون مجلس و شاخ و
شانه کشیدن های نمایندگان که آینه تمام
نمای از تضاد های درونی رژیم است به
خشم آمده بود. از کرسی نشینان مجلس
خواست که برای حفظ سیستم موجود از
افشای جبهه گیری های یکدیگر دست بردارند
و برادرانه برآنچه که می گذرد سرپوش نهند
چرا که برطبق قانون اساسی مذاکرات مجلس
مستقیم بخش می شود و رسوائی های عظیمی بهار
خواهد آورد. اما همچنانکه تاکنون شاهد
بوده ایم حق تضادها بعدی رسیده است
که حتی ابهت خود ساخته خمینی و اهوان
و انصارش دیگر کار ساز نیست اما تودمهای
مردم نیز باید بدانند که منتظر مرگ خمینی
نشستن و سقوط خود بخودی رژیم را تصور
کردن و یا پس از مرگ خمینی بسراغ رژیم
رفتن مبارزه امروز را به فردا افکندن است.

هر چند که هم اکنون در اشکال گوناگون
تد اوم دارد و در مواردی حتی با خشونت
و قهر انقلابی تودمها به پیش میرود اما هنوز
پراکنده و خود بخودی است. باید متشکل
شویم و سازمان یابیم تا رژیم خمینی را در
حیات خمینی سرنگون سازیم. آنگاه این
جلاد جباران را در دادگاه خلق و در کار
تمامی جبر خوارانش به محاکمه کشیم و با برپائی
جوخمهای اعدام انقلابی به حیات ننگینش
پایان بخشیم.

چگونه می توان...

تودمها به تب و فاع طلبی
انقلابی " دچار بودند، مشاهده می شود. در
آن زمان اگر چه باید با دفاع طلبی انقلابی
تودمها مبارزه می شد و ضمن شعار تب و فاع
جنگ به جنگ داخلی تبلیغ و ترویج می شد،
لیکن بعلت " خود ویژگی وظایف زمانی و لزوم
طور دیگر برخورد نمودن با توده وسیع و در
نحوه ارائه و شکل شعار می توانست و خصل
باشد بدین آنکه ضمنش را ضد و ش سازد.
اما، پس از چندی که تبلیغات و تاکتیک های
نیروهای انقلاب به علاوه تحریر روزمره خود
تودمها، آنها را به شناخت از ماهیت
جنگ نزدیک کرد و توهم شروع به فرو ریختن
نمود، لزوم طرح مستقیم شعار ضروری
می شد.

بهر حال، جنگ جز فقر و بد بختی
و ویرانی و خرابی هیچ سودی برای تودمها
ندارد. تودمها خواهان صلحند، باید
هر چه سریعتر به جنگ در جهت منافع
و مصالح تودمها خانه دار. این چنین
صلحی تنها در پرتو تشدید مبارزات انقلابی
تودمها می تواند بدست آید. صلح دمکراتیک
صلحی که در خدمت مصالح و منافع تودمها
باشد، صلحی که در مقابل صلح مزورانه
بورژوازی قرار دارد، تنها با پایان دار
انقلابی به جنگ ارتجاعی می تواند برقرار شود
و تنها راه خانه دارن انقلابی به جنگ
و برقراری صلحی دمکراتیک، تب و فاع جنگ
به جنگ داخلی بر ضد حکومت سرمایه داری
جمهوری اسلامی است.

تصحیح و بوزش

در کار ۱۸۲ صفحه ۱۷ مقاله ساخت
اقتصادی... پاراگراف اول ستون دوم
مربوط به قست آخر مقاله یعنی بعد از
پاراگراف ۲ از ستون سوم باید چاپ می شد
که باین ترتیب اصلاح میگردد.

جرا جنگا غا زشد؟

طبقاتہ، ہا ہوائی ہنک

های انقلابی خود، در جهت تحقق خود
مختاری گام بر میداشت و سازمان‌های
انقلابی، در فشار و تشویش آنها در تحقق
درخواستهای انقلابی آنان و ارتقاء سطح
آگاهی کارگران و زحمتکشان تلاش میکردند.
در این میان، رژیم که با ارتشی از هم
پاشیده مواجه بود، ارگانهای سرکوب ویژه
حکومت مذهبی مبتنی برایدئولوژی اسلامی اش
را پی ریزی میکرد. باین ترتیب ارگانهای
چون سپاه و کمیته و جهاد و... سازمان
یافتند.

در این مقطع زمانی یعنی چند ماه اول پس از انقلاب هنوز بخش وسیعی از توده‌ها نسبت به رژیم و شخص خمینی متوهم بودند و برخی از بااصطلاح پیشروان نظیر حزب توده و جوان و انصارش هم این توهم را در آسین میزدند. از اینرو نتیجه به جوان انقلابی حاکم در جامعه. رژیم قادر بر رویارویی مستقیم با توده‌ها نبود. در عین حال رژیم برای تحقق حاکمیت ضد انقلابی خود نیاز به یک سلسله اقدامات داشت تا قادر به تثبیت وضعیت خود گردد. این اقدامات عبارت بود از سرکوب انقلاب، بازسازی ارتش و ایجاد تضمین برای حرکت سرمایه و سرمایه‌داران و سازماندهی بوروکراسی و استثمار. در عین حال رژیم خواستار آن بود تا نقش‌آورد ارضی منطقه را که با سقوط شاه و وقوع انقلاب متغی شده بود باز یابد.

رژیم به عاملی نیاز داشت که بتواند ذهن
نودمها را از انقلاب منحرف سازد . روحیه
انقلابی آنان را در رژیم شکست . ارتش را احیاء
نماید و سرکوب انقلاب را تضمین کند . خطر
کمونیسم را از منطقه بزداید و در عین حال
عطش توسعه طلبی و بان اسلام پسند سرداران
رژیم را که از سلف خود بنیانگذاران صدر
اسلام به آنها به ارث رسیده بود تحقق بخشد .
این همه میسر نمیشد مگر با بروز يك عامل
خارجی نیرومند و تبلیغات گسترده حصول
آن . بطوریکه تمامی اذهان متوجه آن گشته
و برنامه ها طرح ریزی شده ، در سایه آن
تحقیق یابد . از سوی دیگر انقلاب ایران
زمینه مساعدی را فراهم کرد تا عراق از
موقعیت متزلزل رژیم بهره جسته و شکستهای
پیشین را بهانه قرار داده و برای کسب
ژاندارمی منطقه ، يك سلسله ادعاهای ارضی
و طرح نماید .

این ترتیب از همان ماههای اول پس از انقلاب در رکیزهای متناوب مرزی آغاز میشود. اولین در رکیزهای مرزی حتی باستاند روزنامههای رژیم در خرداد ماه ۵۸ به وقوع می پیوندد. حملہ جنگدهای عراقی در تیرماه ۵۸، اخراج راین عراقی در آبان همان سال و یک سلسله در رکیزهای متعدد

در آذر و دی و بهمن و اسفند ۱۳۵۸ روی
میدهد. و در همین زمان سفیر عراق از
ایران اخراج می شود و در فروردین ۱۳۵۹
یعنی پنج ماه قبل از آغاز رسمی جنگ به
ارترش و سپاه آماد میاشد رده می شود (رجوع
کنید به ویژه نامه جنگ، کیهان ۳۱ شهریور
۱۳۶۲).

اما علی رغم تمامی این وقایع رژیم ششوع
جنگ را ۱۵ ماه بعد اعلام می کند و ۳۱
شهرور ۵۹ را سالروز جنگ می نامد چرا؟
بدین جهت که اهدای واقعی خود را از
جنگ پنهان دارد.

رفسنجانی در نماز جمعه مهرماه ۱۳۶۲
برای توجیه جنگ جنایتکارانه و مظلوم نمایی
می گوید: "ارتش ما اوایل جنگ غافلگیر شد"
و حال آنکه فردای آغاز رسمی جنگبارهای
خود رژیم ۱۴۰ - ۱۵۰ فروند هواپیمای
جنگی برای بمباران مراکز اقتصاد و نظامی
عراق به پرواز درمی آیند . . و یک روز بعد
خمینی جلاد خبر "انهدام" "قوای
بشریستان" را می دهد . جنایتکاران حاکم
با این ترفند سعی می کنند چنین وانمود
سازند که: "ما بی خبر از همجا نشسته
بودیم که ناگهان سردار قاسمیه" ، صدام ،
بمخاک ما تجاوز کرد . همین !! و بدین
طریق آتش افروزیها ، تحریکات و زمینه -
چینی های خود برای جنگ ارتجاعی را پرده
پوشی می کنند ، اما تلاشهای رژیم برای
پرده پوشی اهد افترگاه با مرتجع توأم
نست . مثلا "رفسنجانی جنایتکار بعد ها
به یک سوچه از انگیزمهای رژیم از جنگ اعتراف
میکند : "احتمال صدور انقلاب به عراق
از همجا بیشتر بود چون نزد یکسری پایگاه
اصلی مخالفین آنها کربلاست و اصولا" ما
مبارزه بی امان علیه طغیان را از آنجا شروع
کردیم و نمی شود آنجائی که امام حسین
آرمیده و علی بن ابیطالب مرکز حکومتش آنجا
بوده در دست حکومت فاسد صدام باشد .
بنابرین مراقبها طبیعتا" باید می ترسیدند
و کشورهای مرتجع دیگر منطقه را نیز تحریک
میکردند (خطبمهای نماز جمعه تهران اول
مهرماه ۱۳۶۲) .

مهرماه ۱۳۴۲
انگیزه‌های رژیم جمهوری اسلامی برای جنگ. وقتی با ادعاهای ارض و حقوقی عراق مواجه می‌شود، دیگر بهانه‌های رژیم ایران برای تلاش در جهت سرنگونی صدام کامل شده و دخالت در امور داخلی عراق از هر طریق ممکن در دستور کار قرار می‌گیرد. "دخالت از افسران عراق برای کودتا"

(خیمینی ۲۹/۱/۵۹۲/۲/۱۳۵۹) تکمیر صدام و دعا برای سرنگونی وی - (خیمینی ۲۰/۱/۵۹) و بالاخره آموزش نظامی مخالفین عراق، عناصر و ایسته به حزب الدعوة که پس از طی دوره آموزش نظامی به دست ادر خیمینی میروند (۱۶/۲/۱۳۵۹) و تخصیص امکانات تبلیغاتی و رادیویی بر علیه عراق بخشی از این تلاشهاست. درگیریهای سیاسی - نظامی این

میکرد و از آنجا که اهداف شخصی در پشت تبلیغات فریبکارانه سردمداران رژیم نهفته است آنها هیچ علاقه‌ای به مذاکره و سازش ندارند .

از آنجا که بسیاری از اهداف ذکرشده برای بهره‌برداری از جنگ برای همدرد و جناح لیبرالها و لیبریکالهای درحاکمیت مطرح است ، علیرغم اختلاف بسیاری که باید یکدیگر دارند و علیرغم کشمکش قدرت ، هر یک از دو جناح سعی می‌کند از زاویه منافع خود تودمها را گوشت دم توپ سازد . اکنون جنگ در ابعاد گسترده‌ای جریان یافته است و جناحهای رقیب حاکم ، در سایه جنگ در جستجوی تحقق اهداف خود هستند و کسب اهرمهای بیشتری در قدرت حاکمه . اما بجه اشتراك آنها استفاده از جنگ در سایه آن سرکوب بی امان انقلاب ، هرچند که در مرحله تد ارك جنگ خلق تركن اولین قربانی سرکوب گسترده و خونین رژیم بود و پس از آن خلق عرب قتل عام شد . خلق كرد نیز که از ابتدا ای قدرت رسیدن رژیم جز گلوله و خمپاره و راکت از رژیم ارمغانی نداشت اما با آغاز جنگ و بهره‌گیری از روحیه دفاع - طلبی تودمهای عقب مانده ، رژیم موقعیت را مناسب یافت تا سرکوب سراسری ، گسترده همه جانبه و وحشیانه خود را به پیش برد . علیرغم سرکوبهای وسیع ، نیروهای انقلابی و کمونیست به مقاومت برخاسته بودند .

در بهمن ۱۳۵۹ علیرغم خفقان حاکم ، میتینگ پرشور سازمان تناسبت سالگرد قیام و سپاهل با شکوه خاصی برگزار شد و رژیم را بشدت وحشت زده کرد . سازمان مجاهدین نیز که هنوز بطور قطع از مبارزات انقلابی تودمها نبریده و خود را با اهرمهای سوسیال دموکراسی اروپا ، ماوراء مبارزات تودمها و انقلاب قرار داده بود ، بجه مقاومت و مبارزه انقلابی ادامه می‌داد .

وحشیگریهای رژیم از یکسو و فشارهای اقتصادی ناشی از بهران هردم فزاینده از سوی دیگر موجب گردید تا تودمها بتدریج از رژیم جدا شده و ماهیت جنگ ارتجاعی ، بطور روزافزونی برای کارگران و زحمتکشان آشکار گردد . اما رژیم که جنگ را اهرمی برای مقابله با انقلاب و حفظ موجودیت خود می‌دیده هنوز به اهداف جناپنکارانه پشت پرده و نهان خود دست نیافته بود به جنگ تد اوم می‌بخشید و تلاشهای بین - المللی برای توقف جنگ بجائی نمی‌رسید .

اگر در ابتدا ای جنگ با حضور ارتش عراق در خاک ایران ، رژیم برای ادامه جنگ ، بجا توجیه دفاع از میهن قادر بود تودمها را بدفاع طلبی سوق دهد اما درست چند روز پس از آغاز رسمی جنگ ، هنگامی که دولت عراق پیشنهاد آتشبس و مذاکره برای صلح رامطرح ساخت ، محاکمه صدام و آریز شدن قسط اول خسارات وارده از سوی رژیم بپیان کشیده شد . اما واقعیت همان چیزی است که رفسنجانی خائن در ناله در صفحه ،

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

امپریالیسم و جنگ

فریبکارانه در مقابل به با جنبشهای آزاد بخش ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مطرح بردن آن - رادیکالیسم این جنبشها ممانعت بعمل آید. لذا ساله "استعمارزدائی" و اصطلاحی استقلال ظاهری به یک سلسله از کشورهای تحت سلطه آغاز شد و همزمان برنامه برپا زائی کردن کشورهای عقب ماند مو رفرم های ارض، محدود سرمایه به این کشورها و ایجاد بازار فروش کالا های امپریالیستی در دستور کار امپریالیسم جهانی قرار گرفت. با پمپای این سیاست، تقویت به نظامی این کشورها جهت حفظ سلطه امپریالیسم جدید ملی گشت. در این میان از آنجا که امپریالیسم آمریکا کثرت خدمات ناشی از جنگ را متحمل شده بود، قادر گشت نقشش سرکردگی جهان امپریالیستی را به خود اختصاص دهد. اما تمامی این سیاستها قادر نبود بحرانهای مردم فزاینده در ول امپریالیستی را کاهش دهد. از اینسو جنگهای منطقه ای پشته یکی از گانال های تخفیف بحرانها و تضاد های درونی اردوگاه امپریالیسم در دستور کار قرار گرفت. جنگهای منطقه ای ضمن آنکه انحصارات بزرگتسلطهاتی را از رکود می رهانید و کشورهای درگیر جنگ را هرچه بیشتر به ول امپریالیستی وابسته می ساخت. تضاد های درونی امپریالیستها را در جهت گسترش نفوذ خود در کشورهای درگیر جنگ تعدیل می نمود.

با این مقدمه، رابطه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و چگونگی بهره برداری امپریالیسم جهانی از آن در خطوط کلی ترسیم می شود اما برای روشن شدن ابعاد ساله، ضروریست تا موقعیت ایران را به مثابه یکی از پایگاههای مهم و استراتژیک امپریالیسم آمریکا چه قبل از انقلاب و چه پس از آن مورد بررسی قرار دهیم. همانطور که در پیش آمد، پس از جنگ جهانی دوم که منجر به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر دیگر امپریالیستها شد، یکی از مناطقی که در چهارچوب سلطه آمریکا قرار گرفت کشورهای حوزه خلیج فارس بود. این جابجائی یعنی عقب نشینی انگلیس و جایگزینی آمریکا تحت عنوان استعمارزدائی و اطای استقلال صورت گرفت. اما همانطور که اشاره شد الزاما با حضور نظامی مستقیم حفظ سلطه تامین نمیشود بلکه کافی بود رژیمهای سرسپرد و وظیفه حفظ و تد اوم منفی امپریالیسم را تامین کنند. در این میان دگرین نهکسوند در حوزه خلیج فارس پیاده شد.

بر اساس این دگرین، برخی از کشورهای منطقه موظف گشتند، یک نقش فعال سیاسی نظامی ایفا کنند. این نقش هبارت بود از

حفظ ثبات رژیمهای سرسپرده منطقه، ایمنی نفتکشهایی که برای انحصارات امپریالیستی نفت عمل می کردند و مقابله با جنبشهای - رهائی بخشی که فریب رفرمهای ارتجاعی را نخورده بودند و بالاخره کنترل پروژه تثبیت وضعیتی که پس از استعمارزدائی گذائی و خروج نیروهای انگلیس پیاده آمده بود.

در این مرحله استعمار نو بتدریج جای استعمار کهنه را میگرفت و ایران که نسبت به دیگر کشورهای منطقه از ویژگیهای خاصی برخوردار بود و ساخت سرمایه داری وابسته در آن استقرار یافته بود بهراند ارمی منطقه برگزیده شد. ویژگیهایی که موجب گشت تا ایران برای واند ارمی برگزیده شود در وجه غالب موقعیت استراتژیک ایران بود. از اینرو

پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۳۴۰ دوران تثبیت سرمایه داری وابسته و همچنین تثبیت موقعیت آمریکا در ایران بصورت طوسی شد. ارتش ایران به سلاحهای پیشرفته آمریکائی و آموزشهای لازم مجهز گشت و بصورت یک کشور قدرتمند منطقه در آمد و آمادگی کامل یافت تا نقش استراتژیک خود را در خدمت به امپریالیسم آمریکا ایفا نماید و به "کمر بند ایمنی" آمریکا در مقابل با جنبشهای انقلابی و کمونیستی پیوندد. این کمر بند ایمنی که یکسوی آن ترکیه و سوی دیگر آن پاکستان بود، نقش ایران را بصورت حلقه رابط و مهمی که در صورت جدا شدن و حذف آن می توانست منافع آمریکا در منطقه را با خطرات جدی مواجه سازد مطرح می کرد.

اما در میان کشورهای تشکیل دهنده "کمر بند سبز"، موقعیت ایران و نیز ترکیه به دلیل همسایگی یا شوروی هم مورد توجه قرار داشت در مقابل آنچه که آمریکا "نفوذ و توسعه شوروی در منطقه ای که منافع حیاتی آمریکا قرار دارد" می خواند، پس همین توجه و در واقع بخاطر نقش کمر بند ایران در سرکوب جنبشهای انقلابی و کمونیستی ایفا میکرد در زمره کشورهای قرار گرفت که از کمکهای بید ریخ امپریالیسم آمریکا برخوردار میشدند.

اما جدا از موقعیت استراتژیک ایران که توجه خاص امپریالیستهارا بخود جلب کرده بود، ضایع زیرزمینی عظیم بویژه نفت و نیروی انسانی بیشتر آن نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس بود. همچنین به دلیل تسلط سرمایه داری وابسته موقعیت مناسبی جهت سرمایه گذاری و بازار مناسب جهت جذب کالا های امپریالیستی و تسلیحاتی بود. ایران آنچنان جزیره ثباتی برای سرمایه داران آمریکائی بحساب می آمد که یک سوم سرمایه گذارهای موجود در شرکت های آمریکائی اختصاص یافت.

اعطای نقش زائد ارمی منطقه به شاه به تدریج ابعاد گسترده تری یافت بطوری که نه تنها ارتش در سرکوب وحشیانه جنبش ظفار شرکت جست، بلکه برای سرکوب خلق

قهرمان و پشنام نیز فعالانه وارد عمل شد و هوزمان وحشیانه ترین سرکوبهای داخلی را نیز به پیش برد. اما انقلاب ایران که علیه رژیم سازش خیزی و دیگر رهبران جمعیوری اسلامی یا امپریالیستها از کنترل انسان خارج شد و ابعاد گسترده تری یافت، ارتش را دندان مسلح آمریکائی شاه را تا حد و دی درهم شکست و توده های خشمگین با حمله به پادگانها و خلع سلاح مزدوران باران رژیم را به میل میل ساختند و رویاهای امپریالیسم آمریکا را در تسلط کامل بر منطقه هرچند موقتاً درهم شکستند.

انقلاب توده های مردم نه تنها واند ارمی ایران را بهر سوال برد بلکه خطر شاه جنبش انقلابی ایران به منطقه و شکنش زنجیره ای که بهترین حلقه آن ایران بود را نیز به نیال آورد.

اگر روند انقلاب و گسترش موج توفنده انقلاب منجر به محاسبت کارگران و زحمتکشان میشد، تمامی منافع امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا در منطقه به خطر جدی مواجه میشد. اما اکنون شاهد آنیم که به برکت محاسبت ضد انقلابی جمهوری اسلامی نه تنها منافع آمریکا در معرض خطر قرار نگرفته بلکه از جهاتی، بسیاری از برنامه های آمریکا در منطقه عسلی شده است. یکی از ابزارهای مهم جهت تحقق برنامه های فوق نیز جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوده است که اکنون وارد پنجمین سال خود می شود.

خواسته های امپریالیسم آمریکا از جنگ ایران و عراق چه بود؟

۱- بازسازی ارتش و باز یافتن نقش سرکوبگرانه خود در منطقه - به برکت جنگ ارتجاعی ایمن امر که بویژه در تقاضای آن در پوشش دفاع از مین تجلی یافت جامع عمل پوشید. پایهای آن ارگانهای سرکوب دیگر نظیر سپاه و بسیج و کمیته نیز سازماندهی گسترده نمود و بطوریکه اکنون نیروهای مسلح ایران رقب در حدود ۵/۱ تا ۲ میلیون نفر را تشکیل میدهند و این خود یکی از ابزارهای کسب زائد ارمی در منطقه است.

۲- سرکوب جنبشهای انقلابی در منطقه رژیم جمهوری اسلامی در سایه جنگ نفتی - در گشت سرکوب جنبش انقلابی و کمونیستی ایران را به پیش برد و خواسته های انقلابی توده ها را به بهانه جنگ منکوب سازد. بلکه توانست با تقویت جنبشهای ارتجاعی منطقه نظیر حزب الله عراق، حرکت اسلامی افغانستان، جنبش امل در لبنان و... جنبشهای انقلابی را به شدت تضعیف نماید و "کمر بند سبز" امپریالیسم آمریکا را به شدت تحکیم بخشد. گسترش مناسبات همجانبه با کشورهای مسلمان و دوست یعنی رژیمهای دیکتاتوری نظامی پاکستان و ترکیه و زمینه های احیای پیمان نظامی سنتو درست هان برنامه ای است که آمریکا بتوسط شاه علی گزیده بود و دنباله در صفحه ۷

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

امپریالیسم و جنگ

اکنون اسلام پناهان جمهوری اسلامی پیچیدار احیای آن شده اند. ۳- احیای ژاندار ارضی منطقه رژیم اسلامی ایران در رویای سلطه گری بر کشورهای منطقه بسر میرود و این سلطه گری را در سایه پان اسلامیم موروثی از سلف خود يك حق طبیعی میدانند، جنگ را بهانه خوبی جهت تحقق اهدافش یافته است. اما پان اسلامیم بهر وازی ایران چیزی نیست جز اسلام اسلام در مقابل باخطر کمونیسم در منطقه. و این در قیقا همان خواست و برنامه امپریالیسم آمریکا در منطقه است. بی جهت نیست که رژیم پاکستان و دیگر کشورهای منطقه به دستور ارباب خود قوانین اسلامی را پیاده می کنند. ۴- جنگهای منطقه پناه به راحمد تخفیف بحرانیهای امپریالیستی و کسب سلطه در منطقه در چهارچوب تفرادی امپریالیستی. بد نبال جنگ ایران و عراق که در آنه آن خلیج فارس را نیز در نوردید، آمریکا موفیق گشت تا با افزایش صادرات نفت عربستان سعودی که عدنا "شرکتهای نفتی آمریکائی" در آن دست دارند، بهشتی شود و رانصب خود سازد و بازار جهانی نفت را به کنترل

سلاحهای آمریکائی مجهز می باشند از اینرو این جنگ موجب گردید تا دلاهای نفتی با سرعتی سرسام آور بهجیب انحصارات تسلیحاتی روانه شوند. در این میان هرچند که رژیم ایران بخاطر "مبارزات ضد امپریالیستی" شمشعش نمی توانست مستقیما وارد معامله با آمریکا شود از طریق دلالهای بین المللی و با حراج نفت بهترین ضافع را نصیب آمریکا کرد.

علاوه بر آن ارتش عراق که قبل از آغاز جنگ از لحاظ نظامی به اتحاد شوروی وابسته بود در سایه جنگ به تنوع تسلیحاتی دست یافت. بطوریکه اکنون حدود ۳۰٪ تسلیحات خود را از کشورهای اروپای غربی تامین میکند و این نیز در نهایت به نفع امپریالیسم جهانی خواهد بود.

حال باتوجه به موارد ذکر شده به خوبی این جمله که "جنگ ارتجاعی ایران و عراق بنفع امپریالیسم و سرمایه داران و به زیان توده های مردم و کشور است" قابل درک و ملموس میگردد.



به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه تصویب هیات وزیران منحصر" برای تامین قسمتی از "هزینه های جنگ تعمیلی" اختصاص داده شود. و برطبق بند "ج" همین تبصره دولت موظف است از اعتبار موضوع بند "الف" این تبصره حداقل ۵۰٪ انرا جهت خرید اقلام عید دفاعی تخصیص داده و ده میلیارد ریال آنرا برای عطیات مهندسی جبهه ها در اختیار وزارت جهاد سازندگی قرار داده و مابقی را جهت هزینه های عملیات جنگ اختصاص دهد. در اینجا کاملاً تبلیغات ریاکارانه حکومت در مورد بذل توجه به جنگ زدگان و دیگر موارد ناشی از جنگ نمایان می شود. حکومت باصطلاح هزینه های ناشی از جنگ را برای گرم نگاه داشتن کوره جنگ، سرکوب توده ها و باج دهی به دلالان بین المللی اسلحه بکار میگیرد. در مورد هزینه های پیش بینی نشده نیز چنین می خوانیم: "هزینه های جاری ستادی مربوط به بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده از محل اعتبارات ردیف ۱۰۰۳۰۰ (همان هزینه های پیش بینی نشده) قسمت چهارم این قانون تامین خواهد شد. اگر به اطلاعات فوق اضافه کنیم که طبق تبصره يك بودجه ۶۳ "میزان تنخواه گردان خزانه در سال ۶۳ دوست میلیارد ریال است" و بد اینجاست که تنخواه گردان وجه نقدی است که از محل ان هرخرج فوری را انجام دهند. درخواهیم یافت که رژیم جمهوری اسلامی باپیش لب گور است و این تنخواه - گردان نیز مخارج فرارجلادان توده ها است.

پرد ما بکاری رفته و رژیم ارتباط کلیه وزارتخانه ها و موسسات و نهاد های دولتی و اسلامی را در تامین بودجه نظامی آشکار نموده است. بند "ج" تبصره ۸ بودجه سال ۶۳ در این مورد بسیار گویا است: "به وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می شود که اقلام عید دفاعی و وسائل و تجهیزات و سایر اقلام آمادی مورد نیاز یکدیگر و داند اردوی جمهوری اسلامی شهریهائی جمهوری اسلامی و سایر وزارتخانه ها و موسسات دولتی و کمیته های انقلاب اسلامی و سایر نهاد های انقلاب اسلامی و شهر اربها را برحسب درخواست و در حدود اعتبارات مصوب در بودجه سازمان های مربوطه به ترتیب زیر تامین نماید (تاکید از باست): "برای روشن تر شدن ارتباط کلیه وزارتخانه ها و موسسات دولتی و انقلاب اسلامی در امر نظامیگری رژیم، کافی است جزء ۳ همین بند "ج" بیان شود که دستگاه های مشمول این تبصره پس از دریافت صورتحساب اقلام تحویلی از وزارتین مذکور (دفاع و سپاه) وجوه دریافتی را بر اساس صورتحسابهای مزبور و صورت مجلس تحویل و یا قبض انبار مربوطه بحساب قطعی منظور خواهند کرد. از طرف دیگر بودجه سال ۶۳ تکلیف ارتباط "هزینه های ناشی از جنگ تعمیلی" و "هزینه های پیش بینی نشده" یا بودجه نظامیگری روشن شده است. طبق بند "الف" تبصره ۹ بودجه سال ۶۳ اعتبار جاری منظور در ردیف ۱۰۰۳۰۰ (همان "هزینه های ناشی از جنگ تعمیلی") قسمت چهارم این قانون بنا

نکاتی پیرامون

یعنی این نسبت از رشد ی برابر با ۱۶ درصد برخوردار بوده که اگر از جهت کلی به آن بنگریم عدنا "نشانه تنزل وضعیت کارگران و کارمندان طی همین مدت می باشد. از سوی دیگر نسبت هزینه های نظامی به کل هزینه های جاری و ثابت هم نمایانگر وضعیتی است که نظامیگری رژیم بهیچای رکود و تنزل در بخش همرانی (هزینه های همرانی) و تنزل در وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان حاصل شده است. بهرحال این ارقام فقط گوشه هایی از هزینه های نظامیگری رژیم را نشان می دهد. بخشی از این هزینه ها از طره غیر بودجه ای باصطلاح کلک است حزب الله تامین می شود که نمونه های از آن عبارتند از سرکشی کردن دانش آموزان در جمع آوری کلک های جنسی که حالتی اجباری دارد، کلک های باصطلاح نقدی که در حقیقت اما بهرگز گرفته میشود، کم کردن اجباری دستمزدها و حقوق و مزایا از کارگران و کارمندان و اینها همه برای برگردن جیب سرکوبگران توده ها بکار می رود.

در قانون بودجه سال ۱۳۶۳ که فقط تبصره های در سطح محدود در اختیار نمایندگان مجلس و وزارتخانه ها قرار گرفته و ریز اقلام آن منتشر نشده، بر اثر شدت بحران سیاسی - اقتصادی، گوشه ای از

نکاتی پیرامون

نیروهای فرهنگی و "جهاد سازندگی" و ... اعلام میشود .

از آنجا که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از نظر سیاسی در سایه مرکوب و تحمیل و جاسوسی سادات طبقاتی خود را اعمال میکند . کلیه ارگانها و نهاد های آن نیز همگی در همین راستا حرکت میکنند و اصولاً این ارگانها و نهاد ها به همین منظور بوجود آمده اند . برای مثال اگر بخواهیم بدانیم که بودجه نظامی چه میزان است و چقدر در صد بودجه کل کشور را تشکیل میدهد ، با این شکل مواجه میشویم که این بودجه را تقسیم کرده و تحت عناوین مختلف منظور نموده اند . بعنوان مثال کافی است به دو فصل نقل قول از نمایندگان مجلس درباره بودجه سال ۶۳ توجه نمائیم :

مجدد انصاری در جلسه ۱۴ اسفند ۶۲ گفت " دستگاههای دولتی الان کلی از پرسنل و امکاناتشان در جیبها دارد کار میکنند بحساب دستگاه هزینههایشان گذاشته میشود در حالیکه صرف جنگ میشود . وزارت راه در اینجا آمار بدهند چه تعدادی از ماشین آلاتشان در جیبها است؟ جهاد سازندگی که چه تعداد از پرسنل و امکاناتشان در جیبها است؟ سایر ادارات همینطور . اینها هزینههای جاری دستگاههای اجرایی محسوب میشود در حالیکه واقعیت آن اینست که در جیبها دارند اینها را بکار میگیرند و هزینه جنگی را باید با ملاحظه همه این مسائل لحاظ کرده وزارت بهداری الان میتوان گفت که ۷۰ تا ۸۰ درصد امکاناتش را در رابطه با جنگ بطور مستقیم یا غیر مستقیم اینها را دارد بکار میگیرد در ارتباط با جنگ است . در حالیکه در ردیفها بودجه جاری وزارتخانه قید شده است ."

الویری نیز در جلسه ۱۵ اسفند ۶۲ گفت که " ما یک قلم شخص ۴۰ میلیارد تومان (منظور هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی در بودجه سال ۶۳ میباشد) در مورد هزینههای جنگی داریم . اما وقتی نگاه میکنیم در جوار اینها یعنی در جوار همان ۴۰ میلیارد تومان هزینههای دیگری صورت میگیرد که اگر جنگ نبود آن هزینهها صورت نمی گرفت . من بنابه مصالحی تک تک این اقلام را نمیخوانم اما فقط صورتش را ذکر میکنم . افزایش هزینه وزارت دفاع و وزارت سپاه و ژاندارمری ، هزینههای تحقیقات وزارت دفاع سازمان صنایع دفاع بنیاد امور مهاجرین که اگر جنگ نبود معلوم معلماً این هزینه را انداختیم . بنیاد شهید که باز چیزی است که به تبع جنگ بوجود آمده است . بازسازی مناطق جنگی ، وزارت راه و ترابری (هزینه هایی که وزارت راه و ترابری در رابطه با

جیبها دارد که مبلغش هم مشخص است) بهداری و وزارت بهداری علاوه بر خدمات معمولی که در شرایط غیرجنگ باید بدهد هزینه سنگینی دارد در رابطه با جنگ و فعالیتهایی که در جیبها دارد . هزینههای ساختمانهای نظامی باز این یک قسمت دیگر است . صد اوسپای جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تبلیغات جنگ و همچنین در رابطه با حضور در جیبها و کارهایی که آنجا باید انجام بدهد . همه اینها را که حساب بکنیم مبلغی در حدود ۱۱۴ میلیارد تومان میشود که این ۱۱۴ میلیارد تومان را اگر تقسیم بر ۳۶۵ بکنیم (ایام سال) هزینه جنگی ما در هر شبانه روز حدود ۳۱۰ میلیون تومان میشود . یعنی در هر شبانه روز ما داریم ۳۱۰ میلیون تومان هزینه جنگی می پردازیم و اگر هزینه جنگی یعنی ۱۱۴ میلیارد تومان را از ۳۶۰ میلیارد تومانی که هزینه جاری ما هست کم بکنیم میشود ۱۴۶ میلیارد تومان ."

بدیهی است ۱۱۴ میلیارد تومان فوق الذکر بجز از هزینه نظامی است که رژیم رسماً به ارگانهای مرکوب تخصیص میدهد و این هزینههای مستقیم بر اساس بودجه سالهای ۶۰ الی ۶۲ برقرار جدول (الف) میباشد . لازم به یاد آوری است که بودجه سال ۶۳ بصورت کل درآمد و هزینه و تبصره هایت تصویب شده است .

(جدول الف) - ارقام به هزار ریال

بررسی جد اول فوق نشان میدهد که چگونه رژیم سالوس جمهوری اسلامی ، هزینه های نظامیگری خود را تحت واژه های کلیشه ای اعلام میکند در این رابطه نکات ذیل قابل ذکر است :

الف - علاوه بر ارقام فوق ، مبالغ دیگری نیز در شکم سایر اعتبارات منظور شده که از آن جمله است ۵/۱۷ میلیارد ریال پاداش سال ۵۸ ارتش که طبق تبصره ۳۳ بودجه سال ۶۲ از اعتبارات دولت و مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده ، از محل هزینههای پیش بینی شده دولت تامین شده است .

ب - ارگانهای فوق و از همه مهمتر وزارت دفاع ملی دارای تعد اد زیادی کارخانه میباشد که با استشار شدید کارگران ، وسائل جنگی و حتی کالاهای مصرفی (مثل باتری اتومبیل) تولید میکند و در نتیجه سود حاصل از استشار کارگران نیز بصرف همان هزینه هائی میرسد که در بودجه تخصیص داده شده بعنوان مثال دیگری میتوان از فروشگاههای زنجیره ای سپه که در اختیار ارتش است نام برد . سودهای حاصل از فروش این فروشگاهها ، مستقیماً به پادار هزینههای نظامی و جنگی منتقل می شود و برای افزایش سود آنها ، طرحهای انحصاری نیز بمرحله اجراء آمده است . از جمله می توان به مساله گوشت و سودهای ناشی از ان اشاره کرد :

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
پروا خشی	۹۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰۰
کمیت مرکزی انقلاب اسلامی	۵۷۰۰۰۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰۰۰۰
شهرداری جمهوری اسلامی	۶۲۰۰۰۰۰۰۰	۶۳۰۰۰۰۰۰۰	۶۷۰۰۰۰۰۰۰
ژاندارمری جمهوری اسلامی	۳۲۰۰۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰۰۰	۳۷۰۰۰۰۰۰۰
وزارت دفاع ملی	۳۵۰۰۰۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۰۰۰	۳۷۰۰۰۰۰۰۰
وزارت سپاه پاسداران	۳۸۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۲۰۰۰۰۰۰۰
هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی	۱۷۷۲۶۷۵۰	۳۲۲۳۰۰۰۰	۱۸۷۰۰۰۰۰۰
سازمان صنایع دفاع ملی	۲۴۰۰۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰۰۰	—
شرکت سهامی صنایع هواپیمائی ایران	۳۳۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰۰	—
شرکت سهامی پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران	—	—	۱۷۲۴۸۳۷۵۰۰
پاداش سال ۵۸ ارتش تبصره ۳۳ بودجه ۶۲	۸۷۰۳۰۰۰۰۰	۱۲۱۴۶۳۶۱۲۴۹۱	۹۵۶۱۹۱۷۳۴

کرد : آنچه که بعنوان "گوشت آزاد" معروف است کیلوفی ۷۵۰ ریال به صرف کنند فروش می شود ، در حالیکه فروشگاههای سپه که انحصار واردات گوشت را در اختیار دارند این گوشت را هر کیلو ۲۵۰ ریال خریداری کرده و با هزینه توزیع که حدود ۱۰ کیلو تومان میشود به سازمان گوشت پرداخت میشود ، و بنابه در صفحه ۱

همانطور که قبلاً از زبان ایندگان مجلس گفته شد . علاوه بر اعتبارات فوق ، مبالغی نیز به ارگانها ، سازمانها و شرکتهای دیگر تخصیص داده شده که جز لاینفک اقلام بالا است . در جدول (ب) بعلاوه دسترسی به ریز اقلام مصرف شده بودجه فقط ارگانها و سازمانها و شرکتهایی که مستقیماً وابسته امور نظامی و جنگی هستند آورده شده است .

مبارزه ضد امپریالیستی ، از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



چگونه می توان

از جنگ، مبارزه طبقاتی را متاثر می سازد و نیز تغییر و تحولات جهانی که مستقیماً بر شرایط جنگ تأثیر می گذارند - از اهمیت علمی فوق العاده ای در جنگی انتخاب تاکتیک، شکل طرح شعارها و ... برخوردار است.

حال باید دید وضعیت کنونی نیروهای اجتماعی و سیاسی در رابطه با مصالح چگونه است و چه تغییراتی را در پروسه جنگ از سرگردانده اند؟

بورژوازی چگونه و به منظور بمبندگ خانه می دهد؟

در آغاز جنگ، تحت شرایط اقتصادی - اجتماعی آن زمان، بورژوازی و طبقاتش (بخشهای الحاقی خرد بورژوازی به بورژوازی) تمایل به تحمیل جنگ بر جامعه را داشتند. این تمایل در مورد کلیه جناحهای حاکم جمهوری اسلامی و بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی صادق بود. البته، در مورد پاره ای از عوامل و اهدافی که سبب شد بورژوازی جنگ را بر جامعه تحمیل کند، بین بخشهای مختلف بورژوازی تفاوتی وجود داشته است. این تفاوتها از ساله قدرت سیاسی و منافع بخشهای مختلف سرمایه نشأت میگیرد.

بورژوازی و الحاقیاتش مجموعه را فروختن و دامن زدن به جنگ تمایل داشتند. در اینجامال بررسی جامع و تفصیلی از زمینهها و اهدافی که بمبندگ منجر شد، نیست. اما مختصراً میتوان عوامل مشترکی را برشمرد که کلیه بخشهای مختلف بورژوازی را در خط برپایی جنگ قرار میداد. از جمله مهمترین این عوامل مشترک عبارتند از توسعه طلبی بورژوازی (داشتن نقش هژمونیک برای ایفای نقش ژاندارمی در منطقه - صرف نظر از شکل ارائه و نحوه پهنبرد آن همچون ساله پان اسلامیم و دفاع از اسلام و یا حفظ عظمت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و مقابله با تروریسم در منطقه)، بازسازی ارگانهای سرمایه داری و بویژه ارتش (بانتوجه به ادراک و اهداف نسبتاً متفاوت بخشهای مختلف، لیکن در یک چارچوب مشترک) و سرکوب قطعی انقلاب (سرکوب تودمها و از هم پاشاندن نیروهای سیاسی، انقلابی، پایان بخشیدن به بحران انقلابی حاکم بر جامعه و ...). این عوامل کل بورژوازی را در پیوند با یکدیگر قرار میداد.

در همین حال عوامل ویژه و یابرداشت هائی ویژه از عوامل مشترک، جناحها و بخشهای بورژوازی را از یکدیگر متمایز می نمود. بعنوان مثال، تثبیت قدرت سیاسی بایبهرگیری از جنگ، اهداف بورژوازی حاکم

را از بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی منه یز میکرد و در عین حال تثبیت قدرت سیاسی برای جناحهای اصلی بورژوازی حاکم معنای خاص خود را داشت. این امر بویژه در سیاست جناحهای حاکم حول جنگی به پیش راندن جنگ علی الخصوص در یکسال اول جنگ، آنچنان که بایبهرگیری از آن بتوان در استحکام قدرت جناح خودی توفیق یافت، بصورت عریانی ظاهر بود.

بهر حال، اگر عوامل مشترکی که کل بورژوازی را بهم پیوند می دهد، اساس ماهیت جنگ و اینکه آنان چگونه و به چه منظور میتوانند بمبندگ خاتمه دهند و از این لحاظ ماهیت صلح بورژوازی را مشخص میکند، با این حال عوامل ویژه و یابرداشت هائی ویژه از عوامل مشترک و بانتوجه به نتایج تاکتونی جنگ، بخشهای بورژوازی را در اینکه در چه زمانی و به چه شکلی باید به جنگ خاتمه داد، از هم متمایز میکند.

موقعیت هیات حاکمه در پایان دادن به جنگ بسیار وخیم و اسفبار است. بنسبت جنگ رژیم واقعاً یک ترازوی کامل است. اکنون، جنگ و صلح، هر دو، برای رژیم یک شکست تمام عیار است. رژیم نه میتواند بمبندگ و نه میتواند صلح کند. برای رژیم، جنگ و یا صلح تنها دو شیوه خودکشی است، پس نه جنگ و نه صلح. اما این سیاست برزخی نیز نمیتواند تا ابد ادامه یابد. برزخ شکسته میشود، اما راهی جز جهنم وجود ندارد.

سیاست جنگی حکومت به خود خود تبدیل شده و تناقضات مرکز حکومت را در جنبه خود می فشارد. نکت جنگ، برکت جنگ را زایل می سازد. در پناه جنگ، بی حقوقی مطلق و تروریسم آشکار حاکم شد. سرکوب تودمها و نیروهای انقلابی به فجیع ترین و خشن ترین شیوهها آغاز شد و سازمانهای سیاسی با ضربات شدیدی مواجه شدند، اما تودمها سرکوب نشدند. بخواب نرفتند و رکود سیاسی بر آنان حاکم نشد. اگرچه در مبارزات آنان افت موقت حاصل شد، فجایع سنگین بود، اما مقاومت تودمها خارق العاده. ضربات وارده بر سازمانهای سیاسی (انقلابی) از حد افزون بود، اما سازمانهای اصلی نابود نشدند، خود را ترمیم کردند. در نیمه راه جنگ، دیگر سیاست سرکوب بی اثر گشت و بغض خود تهدید شد.

در پناه جنگ، کیسههای زراندوزی ستونهای ستبر انقلاب از درشت و ریز بغض خور خود انباشته شد. اما بحران اقتصادی شدت یافت. جنگ در محل تضاد های درونی حکومت ناکام مانده و در ادامه خود به ابزاری در جهت تشدید تضادها عمل میکند. بطور کلی بحران انقلابی که در پناه جنگ "می بایست" تخفیف یافته و "حل" شود. همچنان بر جامعه حاکم مانده، قدرت سیاسی تثبیت نگردیده و انقلاب به شکست قطعی دچار نشده است. ادامه حکومت و جنگ، اما بدانه بحران انقلابی می افزاید.

سیاست توسعه طلبی حکومت نیز بانتوجه نساتوانی های ماهیتی خود، توازن سیاست های جهانی در منطقه، افته ماهیت پان اسلامیم برای تودمهای منطقه و ... با شکست مواجه شده است. تداوم جنگ هرچه بیشتر رژیم را در عرصه جهانی منزوی و بی آبرو میکند. و دیپلماسی رژیم را به بنجائی نمی برد.

ادامه جنگ دامنه تشتت در حکومت را افزایش داده و میدهد. و حکومت در مقابل این ساله که "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟" پایش در پیوست گرد و است. بخشهایی از هیات حاکمه که صلاح تداوم حکومت را در صلح می بینند بعنوان مثال میتوان "پروچانیت ساز" و مهدوی کسی اشاره کرد (مهدوی کسی در نماز جمعه سال گذشته در دانشگاه تهران به صراحت از ساله صلح صحبت کرد و شرایطی که از سوی وی عنوان شد فقط دربرگیرنده بخشی از شرایط صلح رسمی اعلام شده از سوی رژیم بود)، در حالیکه بخشهایی دیگر به صلح بمثابه مرگ رژیم می نگرند. اگرچه اینان نیز به تجربه دیگر امید به پیروزیهای نظامی ندارند. و سیاست غالب جنگی را در شکل نه جنگ و نه صلح به پیش می برند.

در همین حال به امید معجزه ای از کائنات های دیپلماتیک هستند که آنان را ازین بست جنگ بدآورند. اما حکومت خود این کانالها را با مداخلات در اعمال دیپلماسی اسلامی و با شرایط صلح اعلامی از جمله سرنگونی صدام و ایجاد حکومتی مردمی که فقط و فقط باید حکومت اسلامی حزب الله عسوه باشد (مصدور کرده است. و بازگشایی آن بمعنی عدول از خواستهائی است که به سادگی برایش میسر نیست. اگرچه در شرایط اضطراری (باوجود بهای سنگین و صرف نظر از نتایجش) غیر ممکن نمی باشد. با این اوصاف تحت شرایط خاص حکومت به صلح گردن می گذارد. اما همانگونه و همان شیوه که به آزادی گروگانها کردن گذارد. اگرچه این بار مسائل که رژیم را احاطه کرده است با مسائلی که در مورد آزادی گروگانها وجود داشت یکسان نیست. از جمله این مسائل، حل معضلات نیروهای حزب اللهی، آزاد شدن ارتش و سپاه از جبهه جنگ و فعال شدن در جبهه سیاسی با تمام تبلورات تضاد های حکومت و غیره. با این وجود حکومت تحت شرایطی همچون تشدید خطر نیروهای اپوزیسیون و نیروهای انقلابی، تغییر و تحولات جهانی که مستقیماً بر امر جنگ و خاتمه آن موثر باشد، تشدید بحران انقلابی و برآمد های توده ای گسترده و پردامنه تحول و تکامل تضاد های درونی حکومت و عواملی نظیر اینها ممکن است به صلح دهد. در انصورت ولی فقیه باتفصیلهای شرعی از صلح و اینکه خداوند گفته است بر کافران رحیم باشید و فتاوی پشت بند امر صلح را شرعی در ساله در صفحه ۱۰

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

چگونه می توان

میکنند ! بهر حال صلح رژیم در صورت تحقق صلحی است در جهت تد اوم حکومت و تثبیت خود ، در جهت سرکوب تود مها و نیروهای انقلابی و در جهت ایجاد شرایط مناسب برای استثمارگران به ویژه انگل ترین بخش آنان ، صلح رژیم ، صلحی است که شرایط تد اوم همین جنگ را در زمانی دیگر به همراه دارد و لذا فقط یک آتش پس موقت بیشتر نیست .

استیصال بورژوازی حاکم در خاتمه دادن به جنگ و بحران انقلابی و تثبیت سیاسی خود شرایطی را بوجود آورده است که بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی بر مبنای آن و با بهره گیری از آن خود را بعنوان منجی امنیت و آزادی و صلح به رخ تود مها می کشد ، انجنان امنیت و آزادی و صلحی که بتواند بطور قطعی رکود سیاسی را بر تود مها فائق گردانیده ، بحران انقلابی را درهم شکسته و شرایط استثمار و ستم اقتصاد را باصلاح جاودان سازند . آنچه که این بخش از بورژوازی در چنته دارد عندئذ هدایائی است که از استیصال سرمایه عقب مانده نصیب شده است .

سرمایه داران بزرگ صنعتی و انحصاری و لایبرالهای بیرون از قدرت سیاسی همگی تلاش دارند که ضمن بهره گیری از جنگ و مهابت جنگ در جهت مقبولیت بخشیدن به خود و حقانیت دادن به قدرت سیاسی خود ، بدین اینکه تود مها فعال شوند . جنگ را انجنان خانه بخشند که برای یک دوره طولانی (دوره رکود سیاسی) سلطه سرمایه - سرمایه خد - بر کار تضمین شود .

و البته در این مورد بضمیت بورژوازی سلطنت طلب از بورژوازی لیبرال (اسلام پناهان رانده شده از قدرت و وطن اسلام) که از نظر ذهنیت تود مها خود مستقیماً در جنگ دستی ندارند ، مناسبتر است . هر چند ارکان بورژوازی لیبرال (شورای ملی مقاومت) که سران خرده بورژوازی را نیز شامل میشود از قابلیت های ویژه ای در خانه دادن به جنگ در خط لیبرالسی برخوردار است . از آنجمله جسامتی است که سران خرده بورژوازی (مجاهدین خلق) برای خانه دادن به جنگ در خط سیاست های لیبرالستی در تماسهای مستقیم و آشکار با رژیم عراق از خود نشان داده اند .

جسامتی که اگرچه در جهت تحقق سیاست های بورژوا - رفرمیستی شورای ملی مقاومت قرار دارد ، لیکن بورژوازی لیبرال خود از انجاش عاجز است .

بهر حال ، جنگ برای بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی برکات خود را بطور عمده ظاهر ساخته و دیگر چندان چیز قابل توجهی از آن نمی تواند عاید شود و حتی در صورت برآمد های تود های میتواند نتایج معکوس داشته باشد . این امر به ویژه برای بورژوازی سلطنت طلب حائز اهمیت میباشد ،

ارتش واحد و دی بازسازی شده ، شکاف درون قدرت سیاسی در جهت سلطه سرمایه بزرگ و انحصاری افزایش یافته ، سپاه ترک برداشته است و تود مها نه تنها از حاکمیت بریده اند بلکه زمینهای احیا گسترده توهی مجد دست به سلطنت که اساساً بر مبنای خشونت و عقب ماندگی رژیم شکنی است ، ایجاد شده است . بورژوازی سلطنت طلب بدین اینکه خود مستقیماً درگیر جنگی توسعه طلبانه باشد ، لیکن بعلت عجز رژیم ، توانائی خود را در اعمال نقش زائد ارمی منطقه از راه خلف به اثبات رسانده است .

با این وجود ، بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی تمایل به برقراری صلح توسط رژیم جمهوری اسلامی ندارد ، مگر در صورتیکه بر زمینه جنگ ، بحران انقلابی موجود انجنان حاد گردد که نه فقط رژیم ، بلکه سرمایه هم بجزیر ضرب برود . این بورژوازی و بخشهای مختلف آن ترجیح میدهند که مهار جنگ بدست آنان بیفتد و خود صلح را هدایت کنند تا از مزایای فی الفور آن - بسا توجه به شرایط جامعه و در صورتیکه چنین مزایائی وجود داشته باشد - در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه خود بر جامعه بهرمند شوند .

بهر حال ، صلح بورژوازی در کل ، در شرایطی که احتمال ناپدید شدن صلحی است بین بورژوازی و جامعه و از جانب ایران که موضوع مقاله است ، صلحی است بر علیه تود مها ، برای سرکوب قطعی انقلاب و تثبیت حکومت سرمایه (باتوجه به اینکه کدام بخش از سرمایه صلح را هدایت کند) بر کار و ایجاد شرایط مساعد برای تد اوم بهره کشی و ستم اقتصادی بر تود مها . صلح بورژوازی ، از طریق زد و بند ، دور از چشم تود مها و با منفعل کردن تود مها صورت میگیرد . این صلحی است که زمینه های شروع جنگ ارتجاعی را از بین نبرده و همین جنگ و یا جنگهای ارتجاعی مشابه زمانی دیگر بر تود مها تحمیل میشود . بورژوازی مغفیز صلح را خود تر بر میدارد و پوسته را بکارگران و زحمتکشان میدهد .

جنگ و موقعیت تود مها

توده ها با وجود گوناگونی طبقات و اقتدار تشکیل دهنده آن و لذا منافعه و مواضع گوناگون ، در عین حال در هر برهه از تکامل اجتماعی دارای منافع مشترکی هم میباشند که آنان را در یک صف - صف انقلاب ، صف نیروهای خلق ، قرار میدهد و لذا ، در اینجا ، وقتی که از موضع تود مها نسبت به جنگ و اینکه چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد ؟ بحث میکنیم ، غرض آن فصل مشترکی است که کارگران ، دهقانان ، سربازان و لایمهای از خرده بورژوازی شهر و روستا را بهم پیوند میدهد . پس ، در عین عطف توجه به فصل مشترک ، باید به گوناگونی شیوه ها و ضامین مبارزه تود مها و نیز کشش آنان در امر انقلاب توجه داشت .

اکنون ، اما نکبت جنگ ارتجاعی را بشکود تود مها گشته است . جنگ جز فقر و فلاکت ، آوارگی و دریدری ، قحطی و گرسنگی ، گرانی و بیکاری ، سرکوب ، ترور ، خفقان و بی حقوقی مطلق ، و جز برب و خرابی و ویرانی ارمغانی نداشته است . اکنون تود مها می پرسند : چگونه میتوان به این جنگ ارتجاعی خاتمان سوز پایان بخشید ؟

در آغاز جنگ ، تب دفاع طلبی انقلابی در بین تود مها شیوع یافت و با نکیه بر همین دفاع طلبی رژیم بورژوازی خود را به انقلاب تشدید کرد . سرور آزادگان فرمود شورایی شورا . ولی فقیه اجرای بند جهم را در مورد اراضی مزروعی متوقف ساخت . (غرض دفاع از لایحه کدائی اصلاحات ارضی نیست) . نیروهای بسیج در کارخانه ها فعال شدند . سطح معیشتی کارگران و زحمتکشان پایین کشیده شد . سرکوب شدت گرفت و ... تود مها بتدریج بنیات هیات حاکمه در تحمیل جنگ پی بردند . هر چند نه بطور کامل ، تود مها ی دفاع طلب بتدریج نسبت به جنگ بی تفاوت شدند و سپس مخالفت بصورت استهزاء خود را نشان داد . تود مها ی که در ابتدای جنگ در مقابل حملات موشکی عراق فریاد میزدند " بنی صدر ، بنی صدر ، موشک جواب موشک " در حملات موشکی بعدی گفتند " جنگ ، جنگ ، کو بورژی - موشک اقتصاد جای د بورژی ! " و بدین ترتیب تود مها خشم خود را از جنگ غیان میکردند و در تد اوم این موقعیت در حملات بعدی موشکی مستقیماً رژیم را متسلل دانسته و مراسم تشییع به نظاهرات ضد رژیم همراه با شعار " مرگ بر خمینی " که بمعنای مرگ بر جمهوری اسلامی است ، تکامل یافت . از این لحاظ تود مها بنوعی شکست طلبی دولت خودی در جنگ ارتجاعی گرا نیز یافته اند .

اکثریت قریب به اتفاق تود مها خواهان صلح و خواهان سرنگونی حکومتند . صلحی که تود مها خواستار آنند در بطن خود دارای ضوضی و مکرراتیک و انقلابی است . اما این مضمون بطور آگاهانه در بین تود مها بسط نیافته است . آنها خواهان صلحی هستند که به فقر و فلاکت ، بیکاری و گرانی ، بی حقوقی و استثمار ، خفقان و کشتار و سرکوب ... خانه دهد . از این لحاظ مضمون صلح تود مها با مضمون صلح بورژوازی بسیار متفاوتست . صلحی که تود مها خواستار آنند صلحی است که منافع آنان را در مقابل استثمارگران و جبارانگران محفوظ میدارد . لذا این صلح ، صلح و مکرراتیک ، صلح مردمی تنها توسط یک حکومت انقلابی و حکومت کارگران و زحمتکشان ، قابل تحقق است . اما تود مها ی بسیاری هنوز آگاهانه به این ساله اساسی انقلاب واقف نیستند . هر چند بطور غریزی آن را حس میکنند . از اینرو ، صلح خواهی تود مها و خواست سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی میتواند ا

سوی بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی مورد بهره برداری قرار گیرد . در این راه سران خرده بورژوازی در نیاله در صفحه ۱۲



نکاتی پیرامون

در ازا هر کیلو گوشت ۳۵۰ ریال سود میرسد .
ج - با مقایسه جدولهای (الف و ب) به سادگی مشخص میگردد که ارقام "بروردی" سال ۱۳۶۲ در مقایسه با ارقام سالهای ۶۰ و ۶۱ و یاد نظر گرفتن تورم افسار گسیخته ،

بخوبی مشاهده میشود . سال ۱۳۶۱ که ارقام برود اخت شده در جدول منظور شده است هیچگونه صرفجویی در هزینهها نشده است اما در برود جمعی صوب ۶۱ بمیزان ۵ درصد و برآورد ۶۲ بمیزان ۷ درصد صرفجویی خواهد شد !!
جدول (د) مقایسه هزینههای نظامیگری رسماً اعلام شده رژیم طبق جدولهای "الف" و "ب" نسبت به ارقام بودجه مندرج در جدول "ج" را نشان میدهد .

بصورتیکه از جدول "د" مشاهده میشود سیاست نظامیگری رژیم سال بسال شدیدتر گشته است . این سیاست که بقای منزلت رژیم در آن نمود می یابد مبتنی است بر نظامی کردن تمام نهاد های جامعه تا آنجا که مقدور است . در حالیکه نسبت هزینههای نظامی به هزینههای جاری در سال ۱۳۶۰ به ۵۰٪ می رسد ، که این خود رقم بسیار بالائی بحساب می آید . لیکن این نسبت در سال ۱۳۶۲ به ۵۸ درصد افزایش یافته است .

(جدول ب) - ارقام به هزار ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
پرو اختی	برآورد	صوب	برآورد
بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی	—	۳۵۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰۰
بنیاد شهید	۱۰۰۵۰۰۰۰۰۰	۱۷۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
سازمان نقشهبرداری کشور	۱۰۱۶۲۴۴۴	۱۰۵۱۴۰۹۵	۱۷۶۲۳۲۸۰
سازمان انرژی اتمی	۱۰۹۵۹۷۱۷	۱۷۸۷۲۹۴۵	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
بازپرداخت اصل و بهره وامهای خارجی (وزارت دفاع)	۶۳۱۰۰۰۰۰۰	۷۴۸۰۰۰۰۰۰	۶۲۶۰۰۰۰۰۰
عملیات اضطراری عمرانی و پیش بینی نشده	—	—	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
استانها و وزارت کشور	—	—	۲۸۰۰۰۰۰۰۰
بازسازی و نوسازی مناطق جنگی	۱۳۱۶۲۵۶	۵۰۰۰۰۰۰	—
شرکت سهام صنایع الکترونیک ایران	۵۱۹۰۰۰۰	۳۵۷۰۰۰۰	—
شرکت سهامی قطعات الکترونیک	۱۱۷۰۰۰۰	۱۲۸۰۰۰۰	—
شرکت سهامی مخابرات ایران	۵۰۰۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰۰۰۰
جهاد سازندگی	—	—	—
	۱۳۳۶۴۷۸۱۹	۲۰۲۱۰۵۰۰۴۰	۳۶۶۳۶۳۲۸۰

بسیار پائین نشان داده شده و بدیهی است که کسری از محل سایر اعتبارات - کلیشهای مندرج در بودجه تامین خواهد شد (طی سال ۶۲ شاهد بودیم که بارها انتقال اعتبارات را به امور نظامی و سرکوب و تحقیق و جاسوسی تصویب کردند) بر همین مبنا است که هزینه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی که روز بروز عریض و طویلتر می شود از سال ۶۰ به سال ۶۱ بمیزان ۲۲۰ درصد افزایش و در سال ۶۲ نسبت به سال ۱۳۶۱ بمیزان ۴۰ درصد ظاهراً کاهش نشان میدهد و با "هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی" در سال ۶۱ نسبت به سال ۶۰ بیش از ۴۰ درصد افزایش و در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ باز هم بیش از ۳۰ درصد باصطلاح کاهش داشته است .

رژیم چه کس را می خواهد بفریسد که هزینههای وزارت دفاع در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ فقط کمتر از یک درصد افزایش داشته با : هزینه پاسداری از سرمایه که در سال ۶۱ نسبت به سال ۶۰ حدود ۲۰۰ درصد افزایش داشته در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ هیچگونه افزایشی نداشته باشد ؟
بهر حال برای تعیین نسبت هزینههای نظامی و جنگی (البته فقط آن میزانی که قابل تشخیص است) به بودجه جاری و کل بودجه ، تنها جدول (ج) که مستخرج از بودجه اعلام شده رژیم می باشد در دست است ولی اینجا نیز سالوسی بودجه نویسان

(جدول ج) - ارقام به میلیارد ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
اعتبارات سرمایه گذاری ثابت	۶۷۴/۷	۱۰۰۳۰/۵	۱۰۲۶۲/۷
اعتبارات جاری	۲۰۳۲/۴	۲۴۵۸/۱	۲۳۴۲/۴
کسر شود صرفجویی ضمن بودجه	—	۱۷۶/۸	۲۵۰/۱
	۲۷۰۷/۱	۳۴۸۸/۶	۳۶۱۰۵/۱
	۲۷۰۷/۱	۳۳۱۱/۸	۲۳۵۵/۱

(جدول د) - ارقام به میلیارد ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
جمع هزینههای نظامی رسماً اعلام شده	۱۰۰۹/۰	۱۳۴۹/۵	۱۳۶۲/۰
نسبت به هزینههای جاری	۵۰ درصد	۵۴ درصد	۵۸ درصد
نسبت به کل هزینههای جاری و ثابت	۳۷ درصد	۴۰ درصد	۴۰/۵ درصد

چگونه می‌توان

(مجاهدین خلق و ...)
 که سیاستهای بورژوازی لیبرال را پیش
 می‌آورند و می‌توانند رانحراقی تودمه‌انست
 به پایان دادن انقلابی به جنگ ارتجاعی -
 یعنی برقراری صلی و مکرانیک - عملکرد
 موثری در خدمت به بورژوازی داشته باشند.

جنگ و انقلاب

کنونیستها به این پرسش که " چگونه
 می‌توان به جنگ خانه داد ؟ " پاسخ صریح
 و روشن می‌دهند . اگر بورژوازی برای تخمین
 تودمه‌ها و پیشبرد منافع طبقاتی استثمار-
 گرانه‌اش، خصلت طبقاتی جنگ را پنهان
 می‌سازد و اهداف جنگ ارتجاعی را بطرز
 ریاکارانه وارونه جلوه می‌دهد ، کونیستها
 آشکارا اهمیت جنگ را اعلام می‌دارند و بر
 مبنای آن در مورد جنگ تصمیم‌گیری میکنند .
 این صراحت کونیستها ، برعکس عدم
 صراحت و ریاکاری نمایندگان سیاسی
 بورژوازی و سران خرده بورژوازی ملحق‌شده
 به بورژوازی از آنروست که کونیستها هیچ
 گونه منافعی ، که از منافع کلیه پرولتاریا جدا
 باشد ، ندارند ، " کونیستها " مصالح
 مشترک همه پرولتاریا را صرفنظر از منافع
 ملی‌شان در مد نظر قرار می‌دهند و از آن
 دفاع میکنند . و از طرف دیگر در مراحل
 گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی
 میکند ، آنان همیشه نمایندگان مصالح و
 منافع تمام جنبش هستند . آنها " همیشه
 محرک جنبش به پیشند " و " بشرايط و جريان
 و نتایج کلی جنبش پرولتاریا پی‌برده‌اند " .
 از اینرو ، پاسخ کونیستها به اینکه چگونه
 می‌توان به جنگ خانه داد مبتنی است بر
 منافع کل پرولتاریا ، مبتنی است بر مصالح
 و منافع تمام جنبش .

کنونیستها ، که مدافع مصالح و منافع
 جنبش انقلابی تودمه‌ها هستند ، وقتی که
 ماهیت جنگ را بر ملا می‌سازند ، راه خانه
 دادن انقلابی به جنگ را نیز با اظهار
 صریح اهداف نهانی آن اعلام می‌دارند و
 برای تحقق خواستهای انقلابی جنبش -
 برزمنه جنگ - تودمه‌ها را به آن راجع
 میکنند . با توجه به آنکه که در مورد ماهیت
 ارتجاعی جنگ کنونی و اهداف بورژوازی از
 این جنگ بیان شد ، تنها راه انقلابی برای
 خانه دادن به جنگ ، تبدیل جنگ به
 جنگ داخلی برضد رژیم جمهوری اسلامی و
 بورژوازی و برای رهایی ، مکرانسی و سوسیال-
 لیسم است ، تبدیل جنگ به جنگ داخلی
 راه انقلابی خانه دادن به جنگ در مقابل
 راه ضد انقلابی بورژوازی است . برزمنه
 جنگ ارتجاعی ، بخشهای مختلف بورژوازی
 تودمه‌ها را به گوشت دم توپ جنگ بورژوازی
 با بورژوازی در جهت اعمال قدرت سیاسی
 تبدیل میکند . پرولتاریا و متحدینش باید

جنگ را به جنگ داخلی برضد بورژوازی
 تبدیل کنند .

جنگ مصائب دارد ناکی را بر جامعه مستولی
 کرده و آشفتگی همه چیز را در بر گرفته است .
 بورژوازی حاکم و الحاقیاتش تودمه‌ها را به صبر
 و تحمل و همکاری در جهت رفع مصائب و
 آشفتگی‌هایی که سود و سرمایه بحکومتشان را
 بخطر انداخته است ، دعوت می‌کنند .
 بورژوازی سلطنت طلب برزمنه مصائب و
 آشفتگیهای موجود ، حکومت ضد انقلابی
 خود را به رخ می‌کشد ، حکومتی که ماهیت
 ارتجاعی آشکار شده‌اش را می‌خواهد در
 پشت وحشیگریهای حکومت اسلامی از انظار
 بپوشاند . و بورژوازی لیبرال ، این شریک
 جرم بورژوازی گریکال حاکم ، برزمنه همین
 مصائب و آشفتگیها می‌خواهد خود را تبرئه
 کند تا سترونی قدرت سیاسی خود را دوباره
 به تعاشب باز آرد ، پرولتاریا و متحدینش .
 اما ، باید با استفاده از این ناپسمانی‌ها ،
 مصائب و آشفتگیها جنگ را به جنگ داخلی
 به جنگ برضد بورژوازی تبدیل کنند .
 قدرت کارگران و زحمتکشان تنها در مبارزه
 انقلابی می‌تواند متبلور شود ، بجز این راه ،
 سلطه بورژوازی بر تودمه‌ها ادامه خواهد
 یافت .

تبدیل جنگ به جنگ داخلی پاسخ
 انقلابی تودمه‌ها به جنگ ارتجاعی بورژوازی
 است که بر آنها تحمیل شده است . تودمه‌ها
 برای تحقق خواستهای انقلابیشان بجز
 انقلاب چاره‌ای ندارند و " انقلاب در زمان
 جنگ یعنی جنگ داخلی " . تاریخ مبارزات
 طبقاتی در سطح جهان ، این امر را بصورت
 یک قاعده به اثبات رسانده است که
 کارگران و زحمتکشان جز از طریق مبارزه
 مسلحانه بر علیه حکومت راهی برای اعمال
 حاکمیت خود ندارند . در زمان جنگ ،
 مبارزه مسلحانه کارگران و زحمتکشان بر علیه
 حکومت یعنی جنگ داخلی است . " جنگ
 داخلی آشکارترین شکل مبارزه طبقاتی
 است ، مرحله‌ای از مبارزه طبقاتی است که
 تصادمات و نیروهای اقتصادی و سیاسی
 با تشدید هم‌پیکر با رشد ، گسترش و حدت
 و به مبارزه مسلحانه یک طبقه بر علیه طبقه
 دیگر تبدیل میشوند . " (لنین . انقلاب
 روسیه و جنگ داخلی) . جنگ داخلی ادامه
 مبارزات اقتصادی و سیاسی تودمه‌ها در
 شرایطی است که دیگر راه بر تکامل آن مبارزات
 بسته شده است .

اما بورژوازی که در مبارزات انقلابی
 تودمه‌ها مرگ خود را می‌پاید ، انقلاب را
 تخطئه میکند ، جنگ داخلی را به شکل
 ناهنجاری زشت و حذایت آمیز متجلی می‌سازد
 و تحت واژه‌هایی درگروته انقلابیون را به
 عنوان مشت‌اشرار و تروریست و ضد انقلاب
 که قانون شکنی میکنند و خون مردم را در
 کوچه و بازار بر زمین می‌ریزند . معرفی میکند ،
 این البته " حق بورژوازی است که برای
 تداوم بهره‌مندی اثر به کیفیت ترین حیلها و
 دروغ‌پردازیها متوسل شود ، انگلس زمانی
 گفت . " آقایان بورژواها شما اولین کسی
 خواهید بود که قانونیت خود را می‌شکند " .

بورژوازی همواره در تحمیل جنگ داخلی
 خود ، جنگ مسلحانه بورژوازی بر علیه
 زحمتکشان ، پیشقدم بوده است . بورژوازی
 اولین کسی است که قانون " مقدس " خود را
 می‌شکند ، زیاد در زمین روم . به کشتارهای
 " قانونی " حکومت شاهنشاهی اشاره نمیکشیم
 چیزی که بورژوازی سلطنت طلب میخواهد
 آنرا از زمین تودمه‌ها بزداید و خود را
 " شرافتمند " و طرفدار " قانون " جا بزند .
 به بعد از قیام نگاه کنید ، تشکیل دسته
 های حزب اللهی برای حمله به تظاهرات ،
 قمع‌کشی ، آتش زدن کتابفروشی‌ها ، پرتاب
 بمب در میتینگها ، تهاجم مسلحانه به
 کارگران در بندرانزلی ، قتلون کشی به
 ترکمن صحرا و کردستان .

حملات مکرر قد ارمنستان به دانشگاهها ،
 پرورش به منازل ، شکنجه‌ها و اعدام های
 خارج از وصف و ... کارنامه جنگ داخلی
 رژیم بر علیه تودمه‌ها و نیروهای انقلابی ، آن
 چنان درخشان است که در تاریخ کونسی
 کمتر نظیر آنرا میتوان مشاهده نمود ، حکومت
 جنگ داخلی ارتجاعی خود را آغاز کرد و جنگ
 ارتجاعی را برای تکمیل جنگ داخلی خود ،
 و این زد . اکنون تودمه‌ها باید جنگ را بر
 علیه حکومت به جنگ داخلی تبدیل کنند .

تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی ،
 مضمون اصلی شعار است که باید تودمه‌ها
 را به آن واقف کرد . جنگهای ارتجاعی ،
 معمولاً با ایجاد بحرانیهای شدید مواجهند
 و با بحرانیهای موجود را تشدید می‌کنند .
 تحت این شرایط قابل پیش بینی ، بخشی
 تشدید را منجران انقلابی ، پی‌ترید
 زمینه‌های تشدید روحیه انقلابی تودمه‌ها
 فراهم می‌شود . از این لحاظ تنها شعار
 درستی که در راه تحقق انقلاب ، در راه
 تحقق خواستهای انقلابی تودمه‌ها قرار
 دارد ، شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی
 است . اما این بمعنای شروع جنگ داخلی ،
 شروع انقلاب نمی‌باشد . بلکه بمعنای تبلیغ
 هلنی و مستقیم برای انقلاب است . در همین
 حال و ضمن اینکه باید مضمون همین شعار
 را که در مقابل مرفاع طلبی است ، به میان
 تودمه‌ها برد و تاکتیک‌ها و سازماندهی خود
 را در جهت تحقق آن قرار داد . لیکن
 چگونگی و شکل ارائه آن به مجموعه‌ای از عوامل
 بستگی دارد که در محور آنها وضعیت
 ذهنی تودمه‌ها قرار دارد . لنین در زمانی
 که تودمه‌های روسیه تسلیم مرفاع طلبی
 انقلابی " گشته بودند و نسبت به حکومت پسر
 از انقلاب فوریه هنوز توهم داشتند ، و در
 عین حال این حکومت همچنان جنگ امیر -
 پالیستی را ادامه میداد میگوید . " شعار
 " مرده باد جنگ " البته صحیح است ولی این
 شعار خود ویژه کم . وظائف زمان و لزوم طور
 دیگر برخورد نمودن با توده وسیع را در نظر
 نمیگیرد . این شعار بعقیده من شبیه به
 شعار " مرده باد تزار " است که مبلغ ناشی
 " روزگار گذشته " صاف و ساده با آن به ده
 میرفت و کمک کافی نوش جان می‌نمود " (وظایف
 پرولتاریا در انقلاب ما) . چنین وضعیتی در
 اوائل جنگ که

در نیاله در صفحه ۴

سرمایه‌داری دولتی سوریه، این عزیز کرده ثوری سرافراز و ابرومند (!) "راه رشد غیر سرمایه‌داری" و این پناه توده‌ای‌های بی‌پناه جفا دیده نیز در تمامی سال‌هایی که جنگ ادامه داشته، همچنان در راه "سنگین" سوسیالیستی و انقلابی "خود یعنی تقویت سرمایه‌داری دولتی و غیردولتی با اتکا به باجگیری و ایفای نقش واسطگی مابین کشورهای منطقه‌گامهای بلند برداشت. بند بازی میان قدرتهای عرب حامی عراق و ایران و ایفای نقش دلال سیاسی در این میان همین تمامی هنر "دموکراسی، انقلاب" سه به در طمع، جنگ بوده و البته بر هیچکس پوشیده نیست که تاجه حد پرداخت باج به این میدان‌داری از سوی طرفین جنگ و حامیان‌شان توانسته خون را در رگهای اقتصاد کشور مزبور براه اندازد. هر بار که جنگ ارتجاعی به مراحل حساس خود رسیده، این "دموکرات‌های انقلابی" سوری بوده‌اند که یک پا در ریاض و شیخ نشین‌های خلیج فارس و یک پا در تهران داشته‌اند تا پیماسها را رسانده، تهدید را منتقل کرده. مصالحه‌های موقتی را پی‌ریزی کنند تا از این میان به "پروسانت‌های انقلابی" خود دست یابند. از یکسو سیراب شدن از شک دلارهای نفتی شیخ عرب و از سوی دیگر غوطه‌خوردن در ایتار نفتی - اسلامی حکمت الله، یا اینکه سالانه هزاران نفر از صف شیفتگان بقاع متبرکه سوریه توسط دولت اسلامی خمینی به این کشور سرازیر شده و ضمناً، مقادیر معتناهی از کالاهای متبرکه که دست دوم

از برکات جنگ

ساخته و خود را در یکی از بی‌درد سرتین و با ثبات ترین دوران تاریخ خویش بیابد. در همین رابطه، سه قدرت منطقه یعنی سرمایه‌داری ترکیه، پاکستان و سوریه و بویژه ترکیه و سوریه آنچنان از برکات و خوان نعمت این جنگ بهره گرفتند که شاید بدون تدوین آن گرداندن چرخ اقتصادشان در اوضاع بحرانی جهان کنونی چندان بی‌درد سر میسر نمی‌بود.

دولت ملیت‌پرستی ترکیه و بورژوازی فنوئه در لغزش آن در بهره‌گیری از برکات جنگ ارتجاعی هنر بارزی بخرج دادند. اعمال سیاست خنثی و شهریاری در رابطه با دولت دیگر در جنگ. از یکسو چشم راه ترانزیت واردات به ایران و از سوی دیگر نگاه غضب آلود پایگاه ارتشیان فراری ایران در نزد یکی مرز. از یکسو پهن کردن بساط بازار مبادلات ۲ میلیارد دلاری و قالب کردن انواع بنجل‌های مونتاز امپریالیستی بمردم ایران از طریق تجارت‌های اجوی وابسته به رژیم خمینی و از سوی دیگر "فضولی موقوف" بموقع به رژیم اسلامی ایران در زمینه دخالت‌های صدور "انقلاب" به ترکیه آناتورک و نیز هشداری در مورد بمخاطره افکندن خط لوله صادراتی عراق در خاک آن کشور، در خلال این جنگ اسلامی، بازارهای مصرفی عراق نیز جزو نگاه انواع محصولات صنایع مونتاز ترکیه بوده است.

امپریالیستی را از آنجا به میهن اسلامی ما جهت مصارف شخص، وارد می‌کنند، هیچ الوصف این هنوز منبع اصلی باج سبیل پرداختن را تشکیل نمی‌دهد. باج سبیل اصلی را در حاتم بخشی‌های اسلامی در زمینه وام‌های ارزی و نیز نفت مجانی یا ارزان باید جست. در شرایطی که همین دولتی حاضر نیست رسماً و علناً بپه تنگ حمایت از رژیم اسلامی خمینی را برخود بمالد طبیعی است که نرخ باج یک چنین نفتی دلالی نیز بالا باشد. اطلاعات افشاگرانه زیربخوسی می‌تواند نشان دهند این نرخ بالا باشد: طبق ماده واحد مصوب ۱۳۶۲/۳/۱ مجلس شورای اسلامی مقرر شد که در مورد سوریه حاتم بخشی‌های اسلامی زیر از کیمیه زحمتکشان عرقه در نیکت جنگو رژیم ارتجاعی انجام گیرد: (۱) اعطای یک میلیون تن نفت مجانی (۲) فروخته نفت تا پنج میلیون تن با تخفیف ۲/۵ دلار برای هر بشکه (۳) در مورد بازپرداخت ۹۹۳ میلیون دلار بدی دولت سوریه به ایران: الف) ۹۹۳ میلیون دلار از خرداد ۱۳۶۴ به اقساط مساوی ماهانه ۲۰ میلیون دلار. ب) بازپرداخت ۵۰۰ میلیون دلار دیگر از تیرماه ۱۳۶۸ در دوازده قسط مساوی سه ماهه مدت ۳ سال انجام گیرد. آری، امید مستضعفان جهان فرمودند جنگ برکت داشته است و برآستی اگر جنگ چنین برکت‌های داخلی و خارجی نمیداشت چگونه میسر بود آتش یک چنین جنگی تاکنون به مدت ۴ سال بار زده شده و زنده نگه داشته شود.

امنیت سرمایه...

اکید "پرهیز شود". و در بند ۴ این بخشنامه وزارت بازرگانی را ملزم به اجرای رهنمودهای خمینی نموده و میگوید: "به شرکت کسبه متعهد و مؤمن در امر واردات کالاهای غیر استراتژیک اهمیت ویژه داده شود" (تصامی نقل قولها - کیهان دوشنبه ۵ شهریورماه ۱۳۶۳). در این میان شورای نگهبان که نمیتواند صورت خود را از فتوای صریح امامش پنهان دارد بلافاصله مصاحبه را پوتلویزیونی ترتیب میدهد و امامی کاشانی سخنگوی آن ضمن محکوم کردن آن دسته از عناصر مشکوک که "فشارها و جوهائی علیه شورای نگهبان می‌ساختند" و "شورای نگهبان را بطرفداری از سرمایه‌داران متهم می‌ساختند" مقاومت شورای نگهبان را در مقابل باد ولتی شدن تجارت خارجی، امری اصولی و اسلامی و در خدمت "اسلام عزیز" میدانند و با استناد به سخنان خمینی می‌گویند: "دولت در این مطلب که چه کالاهائی باجه قیمتی و از چه کشوری خریداری شود تنها حق هدایت و نظارت دارد" (کیهان ۴شنبه ۷/۶/۶۳) بهر رو جناحهای مختلف بورژوازی درون

حاکمیت از بد و کسب قدرت و بویژه پس از حذف لیبرالها تدهای شدیدی بر سر شیوه حل بحران هر دم فزاینده و ایجاد نیت هرچه بیشتر برای سرمایه داشته‌اند. هر یک از دو جناح نیز تلاش کرده است تا از موضع ضائق طبقاتی خود و از طریق کسب اهرمهای بیشتری در حکومت اعمال سلطه نماید. اما تاکنون نیز باتوجه به توازن قوای طرفین هیچیک از دو جناح بورژوازی تجاری و صنعتی قادر نگشته‌اند تا بطور کامل بر دیگری اعمال توریته نمایند. بعنوان مثال علیرغم پیرویهائی که کابینه برای مبارزه بورژوازی تجاری پدید آورده، بورژوازی تجاری بیشترین سود هارا تاکنون نصیب خود کرده است و اکنون نیز این فتوا بمفهوم غلبه کامل سرمایه تجاری بر صنعتی نخواهد بود. این تضادی است که ساخت موجود با رویای سیاسی دارد و اساساً این حاکمیت جمهوری اسلامی است که ماهیتاً بحران زاست نه فتوای خمینی و نه هیچ راحل دیگری قادر به تخفیف بحران نخواهد بود تنها سرنوشت رژیم و برقراری حاکمیت کارگران و دهقانان است که میتواند راحل انقلابی بحران عمیق و همه جانبه موجود را ارائه دهد و این را تودمها در عرصه مبارزه طبقاتی بمصنعه‌طور خواهند رساند.

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۲۰۰۰ ریال	ن ۳۲
۲۵۰۰	۱۰۰
۳۰۰۰	رفیق اصغر
۱۰۰۰	فا - ۷۶
۵۰۰	۴
۱۰۰۰	بدون کد
۳۴۰۰	اعظم ۱۲۳
۵۰۰	فا - ۷۶
۵۰۰	ن ۳۲
۱۰۰۰	سعید سلطانپور
۱۰۰۰	حمید اشرف
۵۰۰	اعظم ۱۲۳
۵۰۰	ن ۳۲
۲۰۰۰	رفیق اصغر
۵۰۰	۵۵۵
۱۰۰۰	۳۳ - ۴
۱۰۰۰	۴۰۰ - ۴
۱۵۰۰	بدون کد
۵۰۰	۱۰ - ر
۱۰۰۰	ن ۳۲
۱۲۰۰	بدون کد
۶۰۰	رفیق ۲۱

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

از برکات جنگ!

و مفلوکترین عناصر و پیمانهای افسار و امانده، جامعه و سبز خیل لومینهای شهری و روستای امکان یافتند که از یک سو جیره خوار سفره تاراج بورژوازی تجاری باشند و از سوی دیگر سوار بر مرکبهای چهارچرخ صادره از امپریالیسم و این قدر بسته و در کوچه خیابان اداره و خانه و دانشگاه و مدرسه، تجاوز به جان و مالی مردم را به اجزار راورند. در استان خون آلود آوایش در کشتار و تجاوز به زحمتکشان باز تا اینکه حکومت الله و اقتصاد تاراجگر اسلام پایرجا بماند.

در حوزه بین المللی نیز جنگ برکات فراوان به قدرتهای امپریالیست و نیز قدرتهای مرتجع منطقه ایثار نمود. چهار سال جنگ خانمان براند از قسمت اعظم دلارهای نفتی ایران و دیگر کشورهای منطقه را به انبعاث اسلحههای دست اول و دوم بدل کرد و در آمد های نفتی یعنی منبع مسلم و بالقوه منافع تودمها را به انبار سلاحهای مختلف تبدیل نمود. در پناه این جنگ اسرائیل در چارچوب برنامه و توافقهای امپریالیستی امکان یافت تا یکی از پرتوهای مقاومت و مبارزه منطقه یعنی جنبش فلسطین را فلج و نیاله در صفحه ۱۳

بورژوازی یعنی بورژوازی تجاری عقب مانده توانست با جنگ انداختن به ذخایر ارزی و شبکه توزیع کالاها و وارداتی پس ماندترین و ارتجاعیترین مراحل سرمایه داری را بر جامعه تحمیل کرده و از این راه چون زالیوی سیری ناپذیری خون زحمتکش را به زرد آب فقر بدل سازد. هشت کارگران و زحمتکشان گروته، و بهشت تجار و ملایان چنگاویز به تسبیح و سجاده، نقد و صیبا.

در پناه اقتصاد جنگ ارتجاعی، بسر سرنیزها آنچنان بر فراز سر مردم آگاه و فرزندان انقلابی آنان در خشدن گرفت و آنچنان غنیمی به دل امپریالیسم افکند که شاید هیچگاه به محیله حزب محافظه کار انگلیس، و احزاب لیبرال و افراطی آمریکا و اروپا، خطور نمی کرد که تا این حد بتواند از یک حکومت سبز الهی توقع برکت سرکوب نیروهای انقلابی را داشته باشند.

در اثر برکات این جنگ عقب مانده ترین

خیمینی این "امید مستضعفان جهان" زمانی اعلام کرده بود که این جنگ برای مردم برکت فراوان به همراه داشته است. بگذرید گوشههایی از طرفین سود و زیان این برکت اسلامی را بشناسیم تا آشکار شود که منظور خیمینی از مردم چیست و امام، امید چه کسان و چه قدرتهایی است.

در اثر برکات (۱) این جنگ چند صد هزار از فرزندان اقتدار زحمتکش جامعه که با فقر و زجر به شهر رسیده بودند به جبر و یا در اثر توهّمات مالخولیائی مذهبی در گورآبادهای تمامی شهرها و روستاهای کشور در دل خاک مسکن گزیدند و بدین طریق بخشی از برنامه تامین مسکن حکومت الهی به ثمر نشست. بخشی از اینان نیز بعنوان "شهیدان زنده" به صندوقهای جرحه دار و چوبهای زیر بغل دوخته شدند تا از این راه زنگ آئینه مراحل انقلابی جامعه پس از خیمینی باشند. در سایه برکات جنگ، انگلترین اقتدار



یادداشت های سیاسی

امنیت سرمایه معضل رژیم

بدون پشتیبانی مردم نمی شود کار کرد و... پشتیبانی این است که همکاری کنند. همکاری این است که در تجارت همکاری کنند...

و در خانه بار دیگر بروال همه شیادان و فریبکاران، تمامی این رهنمودهای "امام گونه اش" را برای خدمت به محرومین و مستضعفین جا زده و می گوید: "عده این است که برای مستضعفین که بشما خدمت کردند خدمت بکنید و خدمت هم به این است که اینهارا بازارهایاراد رکارد کنید، شریک کنید..."

بدنبال سخنان خیمینی، نخست وزیر بلافاصله بخشنامه ای در مورد صادر کردن و به وزارتخانه ها ایلغ می کند که در بند ۲ از تصریح می شود که: "روند ایجاد اطمینان جهت سرمایه گذارهای بخش خصوصی در چهارچوب ضوابط اسلامی تسریع گردد و از تغییرات بی دریغ و کوتاه مدت در ضوابط حاکم که منجر به کاهش اطمینان در سرمایه گذارها می شود و نیاله در صفحه ۱۳

بدنبال تشرید بحران اقتصادی و افزایش نارضایتی عمومی و بروز روزافزون اعتراضات تودمهای و همچنین رشد فزاینده متضاد های درونی حاکمیت جمهوری اسلامی، خیمینی سرانجام فتوای مورد علاقه بازاریان را صادر کرد و خطاب به کابینه جدید که به دیدار او رفته بودند گفت: "... شما که می خواهید برای همه خدمت بکنید، برای ۴ میلیون جمعیت دولت محدود نمی تواند کار کند. باید ۴ میلیون جمعیت را در صحنه نگه دارد و نگذارید به اینست که شما بازار را می خواهید نگه دارید. بازار را شریک کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید یعنی کارهایی که از بازار می آید جلوی شریک نکیرید. یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم نباید سلب بشود. دولت باید نظارت بکند مثلاً در کالاهایی که می خواهند از خارج وارد کنند مردم را آزاد بگذارید... و در ادامه سخنانش می گوید: "در هر صورت ما باید بدنبال این معنایانیم که مردم را نگه داریم و همانظوری که آقایان می گویند

وحشت از خشم توده ها

خیمینی را به وحشت افکنده است

پس از یک سلسله شایعات مبتنی بر مرکب خیمینی که تودمهای بحران آمده از مصائب رژیم محسوس جمهوری اسلامی را به شدت شادمان کرده بود. بار دیگر این ضحاک جنایتکار را بر صحنه تلویزیون ظاهر گشت و با جیره خواران و مزدوران شر به صحبت نشست اما ظهور خیمینی در صحنه تلویزیون این بار همراه با وحشتی عظیم از گسترش موج حرکات و اعتراضات تودمهای بود و این وحشت را نه تنها نتوانست پنهان سازد بلکه با صراحتی وصف ناپذیر عیان ساخت.

او در جمع متشکل از مشت زدن ترین عناصر وابسته به حاکمیت، تصویری از آینده قریب الوقوع آنان را ترسیم کرد: "امروز اگر چنانچه خدا می نخواسته یک خلیلی وارد بشود در این محسوس، نمی دانید که با ما چه خواهند کرد" و بلافاصله تاکید کرد که "انشاء الله که میدانید". خیمینی پس از اشاره به منورنوشته قریب الوقوع و نیاله در صفحه ۱۳